بسم الله الرحمن الرحیم

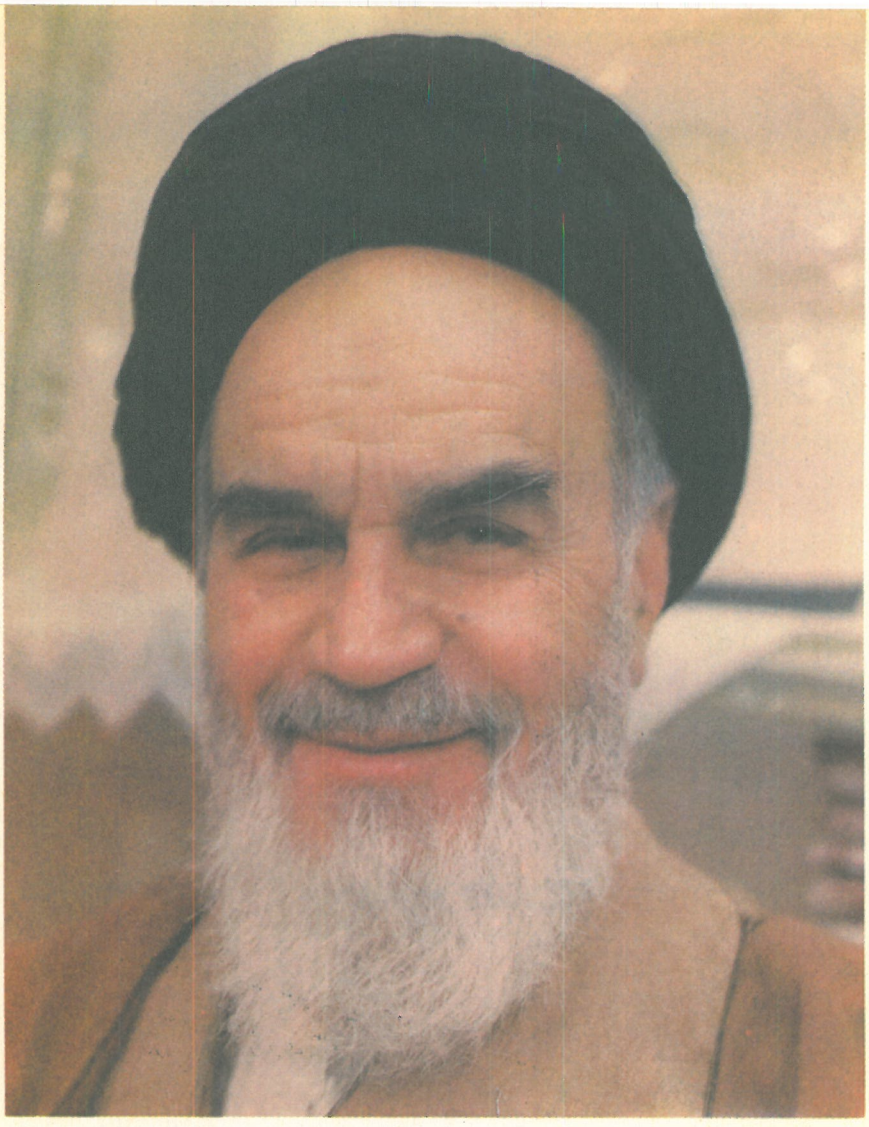
آموزش قرآن کریم
و
تعلیمات دینی

چهارم دبستان

نقاشی از: منوچهر درفشه، اکبر چابک، صادق صندوقی
صفحه آرایی از: محمد پریسای
طرح جلد از: قاسم درودگر

چاپ شرکت افست «سهامی عام»
حق چاپ محفوظ است

۱۳۷۴



این کودکها [را] که به دبستان می‌فرستید عزیزان من و امید آینده مملکت هستند. امیدوارم معلّمها و والدین در تربیت انسانی و اسلامی آنان کوشش کنند.

امام خمینی «قدّس سرّه الشّریف»

آموزش قرآن کریم

(روخوانی)

قالَ رَسُولُ اللّٰهِ (ص):

خَیْرُکُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْءانَ وَ عَلَّمَهُ

بهترین شما کسی است که قرآن را فراگیرد و به دیگران بیاموزد.

دانش آموز گرامی!

قرآن کریم کتابِ آسمانی و مقدسِ ماست. شایسته است در نگهداری و رعایتِ پاکیزگی و احترام آن بیشتر بکوشیم.

مؤلفان

احمد حاجی شریف، محمد خواجوی، محمد رضا صلح جو

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای
من از معلمین محترم ابتدایی خواهش می کنم به درس قرآن در این مقطع اهمیّت بیشتری بدهند.

آموزگاران گرامی

بدون شک تدریس قرآن کریم توفیق بزرگی است که خداوند تبارک و تعالی به شما عزیزان ارزانی داشته است. کوشش و تلاش شما معلّمین آگاه و دلسوز در آموزش کلام الهی آن هنگام به بار خواهد نشست که علاوه بر اعتقاد و باور به آنچه به دانش‌آموزان می‌آموزید، روش و شیوه صحیح و مناسب را در آموزش خود به کار بندید. مهمترین و اساسی‌ترین گام در نیل به این اهداف، **ایجاد انگیزه و میل و رغبت هر چه بیشتر در دانش‌آموزان گرامی است.** بنابراین لازم است در فرصتهای مُناسب، عظمت قرآن کریم و اهمیّت فراگیری آن را با استفاده از آیات و روایات و در حد فهم و درک دانش‌آموزان مطرح نمایید.

برای تدریس کتاب حاضر توجّه به نکات زیر ضروری است:

الف ـ تقسیم‌بندی قواعد روخوانی: در کتابهای قرآن درسی سعی شده است قواعد روخوانی با تقسیم‌بندی منطقی و ارائه تمرینهای کافی در سه پایه سوم و چهارم و پنجم دورهٔ ابتدایی به ترتیب زیر آموزش داده شود:

سوم ابتدایی ـ صداهای کوتاه، صداهای کشیده، سکون و تشدید

چهارم ابتدایی ـ مروری بر درسهای سال قبل، حروف ناخوانا و تنوین

پنجم ابتدایی ـ مروری بر درسهای سال قبل، همزه (ء)، مدّ، اشباع هاء ضمیر، نحوهٔ وقف بر آخر کلمات و حروف مُقَطَّعه.

ب ـ شیوه کتابت قرآن درسی: شیوه کتابت و علامتگذاری کتابهای قرآن درسی دورهٔ ابتدایی هماهنگ و مطابق با اکثر قرآنهای چاپ کشورمان می‌باشد. بنابراین دانش‌آموزان گرامی هنگام مراجعه به قرآنهای موجود با مشکلات کمتری مواجه خواهند بود.

ج ـ آموزش کتاب قرآن درسی :

۱ ـ درس با تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسّط یکی از دانش‌آموزان خوش صوت آغاز شود و در صورتی که درس یا درسهای قبل فاقد سوره و آیات قرآنی باشد، یکی از سوره‌های کوچک توسّط دانش‌آموزی که به خواندن قرآن تسلّط کافی دارد قرائت گردد. در عین حال استفاده از نوارهای خوب قرآنی برای دانش‌آموزان مفید و جاذب خواهد بود.

۲ ـ هر درس با توضیحات لازم و به طور کامل و با مشارکت دانش‌آموزان آموزش داده شود.

۳ ـ کلمات و عبارتهای قرآنی هر درس با تأنّی به وسیله آموزگار محترم قرائت شود. سپس دانش‌آموزان همان کلمات و عبارات را دسته جمعی تکرار کنند.

۴ ـ کلمات و عبارتهای قرآنی مشکل، بخش بخش آموزش داده شود، بدین صورت که معلّم کلمات مشکل را بخش بخش خوانده و دانش‌آموزان تکرار کنند و سپس همان کلمات و عبارات را به طور معمولی و روان بخوانند.

۵ ـ درسهایی که دانش‌آموزان با یک جلسه تدریس و تمرین، مهارت کافی کسب نمی‌کنند در دو جلسه تدریس شود.

۶ ـ تمرین هر درس در کلاس بررسی و سپس به وسیلهٔ دانش‌آموزان و راهنمایی و هدایت آموزگار محترم انجام شود.

توصیه می‌شود همکاران گرامی با مراجعه به کتاب راهنمای معلّم نسبت به چگونگی آموزش کتابهای قرآن درسی، آگاهی بیشتری کسب نمایند.

توفیق روزافزون شما را در تعلیم قرآن کریم به نسل آینده‌ساز میهن اسلامی، از درگاه خداوند متعال خواهانیم.

دانش‌آموزان عزیز!

خدا را سپاس می‌گوییم که با لطف بی‌پایانش ما را با قرآن کریم آشنا کرد. به شما نیز درود می‌گوییم که با همّت و تلاش خود درسهای سال گذشته، بویژه درس قرآن را به خوبی یاد گرفته‌اید و امسال تصمیم دارید با نکات تازه‌تری از کلام الهی آشنا شوید. هدف از یادگیری قرآن این است که آن را بهتر بشناسیم و به اخلاق نیک و پسندیده، مانند دوستی و محبّت، خوب فکر کردن و درستکاری آراسته شویم و از کارهای ناپسند و زشت پرهیز کنیم. پس لازم است برای دست‌یابی به هدفهای بالا، سعی و کوشش بیشتری داشته باشیم.

مروری بر درسهای سال گذشته

درس اوّل

صداهای کوتاه و سکون

ـَ * ـِ * ـُ * ـْ

سال گذشته با خواندن قرآن کریم، آشنا شدید و دانستید که قرآن از حروف و صداها و علامتها تشکیل شده است.

در این درس برای یادآوریِ صداهای کوتاه ـَ ـِ ـُ و سکون ـْ چند تمرین انجام می دهیم.

۱ ـ کلمه های قرآنی زیر را با صدای بلند بخوانید:

نُرِیَ ـ نُفِخَ ـ اُنْزِلَ ـ نُرْسِلَ ـ یُظْهِرَ ـ یُحْدِثُ

یُفْسِدُ ـ نَضْرِبُ ـ یَحْمِلُ ـ یَنْزِعُ ـ نَسْمَعُ

یَفْعَلُ ـ بُعْثِرَتْ ـ حُشِرَتْ ـ قُتِلَتْ ـ کُنْتُمْ

عَنْهُمْ ـ مِنْکُمْ ـ لَکُمْ ـ بَیْنَکُمْ ـ عَلَیْکُمْ

۲ـ کلمه های زیر را یک بار بخش بخش و یک بار با هم بخوانید:

* مثال:

اُزْ لِـ فَتْ = اُزْلِفَتْ

عَلِمَتْ ـ اَحْضَرَتْ ـ نُصِبَتْ ـ یَظْلِمُ ـ یَفْصِلُ

یَکْسِبُ ـ یَهْبِطُ ـ اُقْسِمُ ـ یُنْبِتُ ـ تُنْذِرُهُمْ

فَوْقَهُمْ ـ یُشْرِکْنَ ـ اَنْفُسَهُمْ ـ یَفْتِنَکُمْ

تَرْهَقُهُمْ ـ مَرْجِعُهُمْ ـ اَعِظُکُمْ ـ یَعِدُکُمْ

لِیَفْجُرَ ـ لِنُفْسِدَ ـ لِنُسْلِمَ ـ یَحْتَسِبُ ـ یَسْتَمِعُ

یَنْطَلِقُ ـ اَفَنَضْرِبُ ـ صُوَرَکُمْ ـ اَرْجُلَکُمْ

یَنْصُرْکُمْ ـ اَحْسَنْتُمْ ـ اَسْرَرْتُ ـ اَعْلَنْتُ

اَسْتَغْفِرُ ـ فَاَعْرِضْ ـ یَعْتَصِمْ ـ لِاَنْفُسِکُمْ

۳ ـ آیه ها و عبارتهای قرآنی زیر را بخوانید :

۱ ـ اِلَیْهِ مَرْجِعُکُمْ

۲ ـ کُتِبَ لَهُمْ لِیَجْزِیَهُمْ

۳ ـ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ اِلَیْکَ

۴ ـ وَاِذْ غَدَوْتَ مِنْ اَهْلِکَ

۵ ـ وَیَضَعُ عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ

۶ ـ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِکُمْ

۷ ـ وَ مَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ مِنْکُمْ

۸ ـ وَیُخْزِهِمْ وَیَنْصُرْکُمْ عَلَیْهِمْ

۹ ـ اِذْ اَعْجَبَتْکُمْ کَثْرَتُکُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْکُمْ

۱۰ ـ اِنْ تَحْمِلْ عَلَیْهِ یَلْهَثْ اَوْ تَتْرُکْهُ یَلْهَثْ

تمرین

۱ ـ پانزده کلمه از قسمتهای ۱ و ۲ را که هر یک دارای همهٔ صداهای

ـَ ـِ ـُ و علامت ـْ باشد؛ بنویسید.

۲ ـ قسمت ۳ را با دقّت بخوانید؛ آیه ها و عبارتهایی را که کلمه مِنْ

در آنها به کار رفته بنویسید.

درس دوم

صداهای کشیده و تشدید

ا * ـِـ ، ی * ـُـ * ـّـ

پس از تمرین صداهای کوتاه و سکون، در این درس صداهای کشیده ا ـ ی ـ ُو و تشدید ـّـ را یادآوری می کنیم.

۱ ـ این کلمه ها را بخوانید:

یُعْطیکَ ـ اَوْحَیْنا ـ یالَیْتَنی ـ اَضَلَّنی ـ اَثْقالَها
زِلْزالَها ـ لَعَلَّنا ـ تَتَّقُونَ ـ طَوّافُونَ ـ یُلَقَّوْنَ
کَذَّبُونِ ـ رَتَّلْناهُ ـ صَرَّفْناهُ ـ مَتَّعْناهُمْ ـ مَتَّعْتَهُمْ
تَمَسُّوها ـ لَمَسَّکُمْ ـ اُمَّهاتِکُمْ ـ لَیُضِلُّنا
اَتَصْبِرُونَ ـ تَذَکَّرُونَ ـ لِلْمُتَّقِینَ ـ لَیُصْبِحُنَّ
مُقَرَّنِینَ ـ لِنُثَبِّتَ ـ فَاَخَذْناهُ ـ فَنَجَّیْناهُ
بِمُعَذَّبِینَ ـ یَتَّخِذُونَکَ ـ فَکَذَّبُوهُما

نکته : صدای ا گاهی به این شکل ـٰ نوشته می‌شود، اما هنگام خواندن هیچ تفاوتی نمی‌کند.

۲ ـ حالا کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید:

لٰکِنْ ـ هٰذٰا ـ اِلٰهُ ـ ذٰلِکَ ـ اِسْحٰقَ ـ اِسْمٰعِیلُ

سُلَیْمٰنُ ـ هٰرُونَ ـ اِلٰهُکُمْ ـ ذٰلِکُمٰا ـ فَذٰنِکَ ـ هٰذٰانِ

۳ ـ آیه‌ها و عبارتهای قرآنی زیر را با دقّت بخوانید:

۱ ـ وَکَذٰلِکَ یَفْعَلُونَ

۲ ـ فَفَهَّمْنٰاهٰا سُلَیْمٰنَ

۳ ـ وَ مِمّٰا رَزَقْنٰاهُمْ یُنْفِقُونَ

۴ ـ لَیَقُولُنَّ یٰا وَیْلَنٰا اِنّٰا کُنّٰا ظٰالِمِینَ

۵ ـ ذٰلِکَ بِمٰا قَدَّمَتْ یَدٰاکَ

۶ ـ لٰا اِلٰهَ اِلّٰا اَنْتَ سُبْحٰانَکَ

۷ ـ فَذٰنِکَ بُرهٰانٰانِ مِنْ رَبِّکَ

۸ ـ فَلٰایَسْتَطِیعُونَ رَدَّهٰا وَ لٰاهُمْ یُنْظَرُونَ

۹ ـ کَذٰلِکَ سَخَّرْنٰاهٰا لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ

۱۰ ـ لٰایَسْتَطِیعُونَ نَصْرَ اَنْفُسِهِمْ وَلٰاهُمْ مِنّٰا یُصْحَبُونَ

تمرین

* درس را چند بار با دقّت بخوانید؛ سپس کلمه هایی را که در آن صدای ا به این شکل ـٰ نوشته شده است، با خطِّ زیبا بنویسید:

* مانند: ذٰلِکَ

درس سوم

حروف ناخوانا

و ـ ا ـ ل ـ ی

* این کلمه های فارسی را بخوانید :

خواهر خویش خواستن خواندن

* در هر یک از کلمه های بالا کدام حرف خوانده نمی شود؟ .....

درست است

حرف و خوانده نمی شود .

* در قرآن هم چهار حرف و ـ ا ـ ل ـ ی اگر یکی از صداهای ـَـِـُ ، ا ـ ی ـ و یا علامت سکون ـْ را نداشته باشند خوانده نمی شوند .

حروف ناخوانا

و ـ ا

* در این درس قرائت کلمه هایی را که در آنها و ـ ا ناخوانا وجود

دارد می آموزیم :

* مانند :

حَیٰوةَ خوانده می شود حَیٰاةَ

وَالْاَرْضَ خوانده می شود وَلْاَرْضَ

۱ ـ کلمه های زیر را که تنها یک حرف ناخوانا دارند، با دقّت بخوانید :

مَنٰوةَ	قَالُوا	تَعَاوَنُوا	فَاصْبِرْ
صَلٰوةَ	خَسِرُوا	تَقَاسَمُوا	رَبِّ اجْعَلْ
غَدٰوةِ	خَرَجُوا	تَنَابَزُوا	اَبَتِ افْعَلْ
نَجٰوةِ	صَبَرُوا	تَقُولُوا	يَوْمَ الْفَصْلِ
صَلٰوتِکَ	ضَرَبُوا	تَلْبِسُوا	بِالْكَافِرِينَ
كُلُوا	فَعَلُوا	تُسَلِّمُوا	بِالْمَعْرُوفِ

* در بعضی از کلمه های قرآنی گاهی دو یا سه حرف ناخوانا کنار هم و گاهی جدا از هم نوشته می شود.

* مانند:

ذُوالْعَرْشِ ـ وَاهْتَدَوْا

مَاالْحَيٰوةُ ـ اُوتُوا الْكِتٰابَ

۲ ـ حالا کلمه ها و عبارتهای قرآنی زیر را با دقّت و با صدای بلند بخوانید:

وَاسْمَعُوا ـ وَاشْكُرُوا ـ وَارْكَعُوا ـ بِالْغَدٰوةِ

لَوِاسْتَقٰامُوا ـ وَاسْتَكْبَرُوا ـ ذُوالْجَلٰالِ

فَقُلْنَا اضْرِبْ ـ اَنَااُخْتُرْتُكَ ـ زِينَةَ الْحَيٰوةِ

مِنْهَا الْبُطُونَ ـ فَاِذَا انْشَقَّتِ ـ فِيهَا الْفَسٰادَ

۳ ـ عبارتهای قرآنی زیر را که سه حرف ناخوانا دارند، با دقّت بخوانید:

اُوتُوا الْکِتابَ	وَقُولُوا انْظُرْنا
اُوتُوا الْعِلْمَ	وَذَرُوا الْبَیْعَ
اَتِمُّوا الْحَجَّ	لَصالُوا الْجَحیمِ
اِذَا انْقَلَبُوا	لاتَکْتُمُوا الْحَقَّ
اَوْفُوا الْکَیْلَ	لِیَذُوقُوا الْعَذابَ
قالُوا اتَّخَذَ	وَلاتَلْبِسُوا الْحَقَّ
قالُوا ادْعُ لَنا	لاتَعْتَذِرُوا الْیَوْمَ
بِالْغَدُوةِ	لاتَیَمَّمُوا الْخَبیثَ
مَا الْحَیٰوةُ	وَلاتُخْسِرُوا الْمیزانَ

تمرین

* در کلمه های قرآنی زیر، حروفی را که خوانده نمی شوند، در داخل پرانتز بنویسید.

مثال: وَالْفَجْرِ (ا)

وَالْعٰادِيٰاتِ	( )	فَجَّرْنَا الْاَرْضَ	(ـ)
فَالْمُغِيـرٰاتِ	( )	وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ	(ـ)
فَانْصُرْنٰا	( )	وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ	(ـ)
مَنٰوةَ	( )	فَمَا اسْطٰاعُوا	(ـ ـ)
وَاسْتَعِينُوا	(ـ)	اِذَا انْقَلَبُوا	(ـ ـ)
هٰذَا الَّذِى	(ـ)	قُلْنَادْخُلُوا	(ـ ـ)
هٰذَاالْوَعْدُ	(ـ)	فَقٰاتِلُواالَّتِى	(ـ ـ)
وَالْحَيٰوةَ	(ـ)	وَادْخُلُواالْبٰابَ	(ـ ـ ـ)

درس چهارم

آیه ها و عبارتهای قرآنی زیر را با دقّت بخوانید :

۱ ـ فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرٰاتِ



٢ ـ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ

٣ ـ فَاَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ

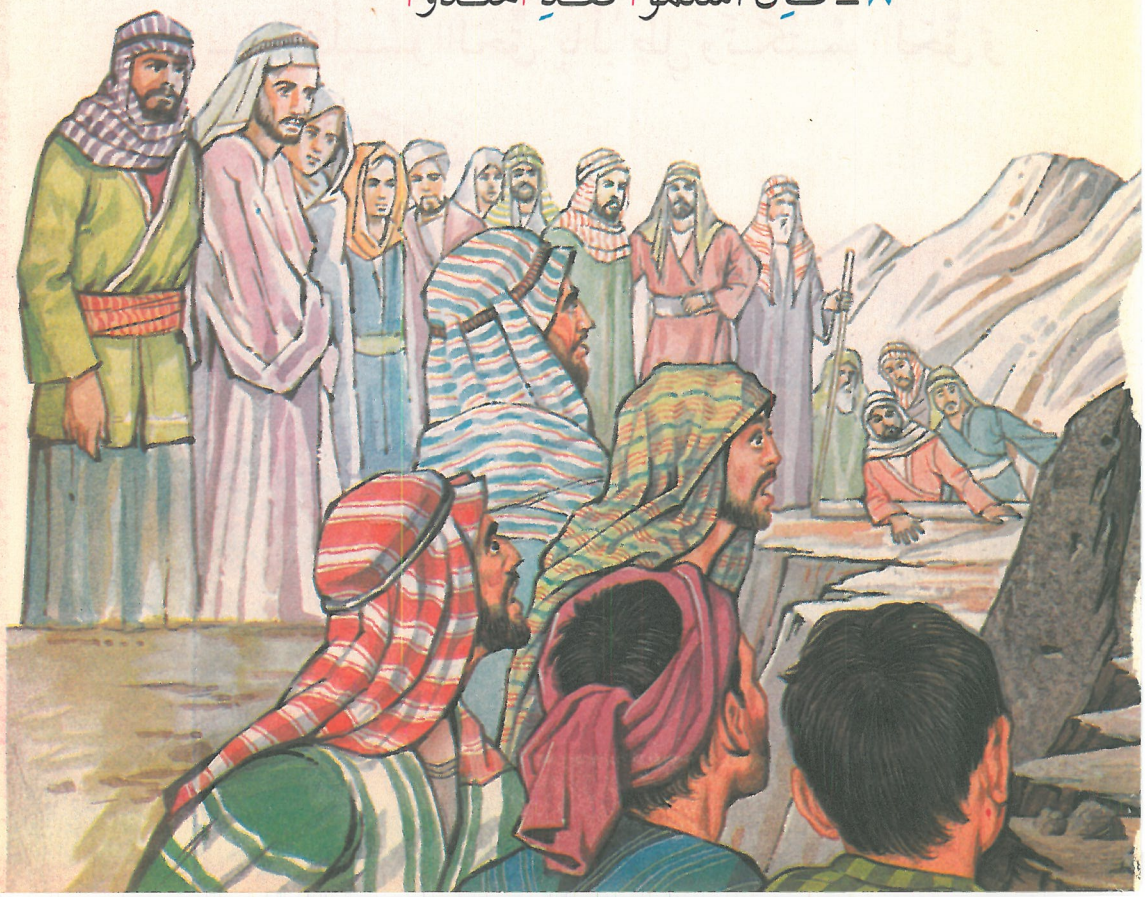
٤ ـ وَاْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ اَبْوَابِهَا

٥ ـ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ

٦ ـ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ

٧ ـ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَنْ لَنْ يُبْعَثُوا

٨ ـ فَاِنْ اَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا



۹ ـ لاٰتَقُولُوا راٰعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا وَاسْمَعُوا

۱۰ ـ وَلاٰتَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ

۱۱ ـ كُلُوا مِنْ طَيِّباٰتِ ما رَزَقْناكُمْ

۱۲ ـ خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ

۱۳ ـ فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَلاٰتَكْفُرُونِ

۱۴ ـ وَاَوْفُوا الْكَيْلَ اِذاٰ كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاٰسِ الْمُسْتَقِيمِ

۱۵ ـ وَلاٰ تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباٰطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

تمرین

* آیه ها و عبارتهای قرآنی درس را با دقّت بخوانید؛ سپس کلمه هایی را که و ناخوانا دارند، بنویسید.

درس پنجم

حروف ناخوانا

ل ـ ی

* در درس سوم با دو حرف ناخوانای و ـ ا آشنا شدید.

حالا در این درس با دو حرف ناخوانای ل ـ ی آشنا می شوید.

دو حرف ل ـ ی هم مانند و ـ ا ، اگر صداهای

ـَ ـِ ـُ ، ا ـ ی ـ و

و علامت سکون ـْ نداشته باشند خوانده نمی شوند.

مثال:

اَلدّٖینُ ـ اَلرَّحیمِ ـ اَلرُّوحِ ـ اَلشَّمْسُ ـ اَلنّٰاسُ

عَلیٰ ـ اَوْحیٰ ـ تَرَدّیٰ ـ تَلَظّیٰ ـ یَتَزَکّیٰ

بَنیٰها ـ تَلیٰها ـ عُقْبیٰها ـ یَصْلیٰها ـ نَجْویٰکُمْ

اَریٰکُمْ ـ مَوْلیٰکُمْ ـ تَریٰهُمْ ـ فَاَتیٰهُمْ ـ فَتَریٰهُ

۱ـ کلمه ها و عبارتهای قرآنی زیر را بخش بخش کنید و با صدای بلند بخوانید:

مثال: فِی النّـ نا رِ = فِی النّـارِ

وَالنَّـهٰارَ ـ هُوَالسَّمیعُ ـ یُقیـمُونَ الصَّلٰوةَ
وَالصُّلْحُ ـ هُوَالضَّلٰالُ ـ حُمِّلُوا التَّـوْرٰیةَ ـ وَلَا النُّورُ
عَلَی الثَّـلٰاثَـةِ ـ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ ـ اِلَی الظِّلِّ
فِی التَّـوْرٰیةِ ـ اَطیـعُوا الرَّسُولَ ـ فِی الزَّبُورِ
اِلَی النَّـجْوةِ ـ بِالْحَیٰوةِ الدُّنْـیٰا

۲ـ کلمه ها و عبارتهای قرآنی زیر را با دقّت بخوانید:

وَالتَّـقْوٰی ـ وَالشَّهٰادَةِ ـ وَالظّٰالِمیـنَ ـ وَالصّٰابِرِیـنَ
فِی الصُّدُورِ ـ فِی السَّمٰوٰاتِ ـ مِنَ الذَّهَبِ
مِنَ التِّـجٰارَةِ ـ مِنَ الزّٰاهِدِیـنَ ـ اَهْلُ التَّقْوٰی

جابُوا الصَّخْرَ ـ قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ ـ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ

اَقِيمُوا الصَّلٰوةَ ـ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيا ـ اَسَرُّوا النَّجْوٰى

كَفَرُوا السُّفْلٰى ـ يَعْلَمُ السِّرَّ ـ اَرْحَمُ الرّٰاحِمِينَ

تمرین

* حروف ناخوانای هر یک از عبارتهای زیر را جلوی آن در داخل پرانتز بنویسید:

ضَعُفَ الطّٰالِبُ (ـ) اَقٰامُوا الصَّلٰوةَ (ـ ـ ـ ـ)

مِنَّا الصّٰالِحُونَ (ـ ـ) ذِي الذِّكْرِ (ـ ـ)

اَلْهٰيكُمُ التَّكٰاثُرُ (ـ ـ) يَصْلَى النّٰارَ (ـ ـ)

اَلْقَى السّٰامِرِيُّ (ـ ـ) مَاالطّٰارِقُ (ـ ـ)

فَلَهُنَّ الثُّمُنُ (ـ) مِنَ الْاَجْدٰاثِ ( )

وَابْتَلُوا الْيَتٰامٰى (ـ ـ ـ ـ) وَاتَّبَعُوا النُّورَ (ـ ـ ـ ـ)

درس ششم

دانش آموزان عزیز!

* در سه درس گذشته یاد گرفتید که در قرآن هم ممکن است بعضی از حروف نوشته شود، اما خوانده نشود.

آیا حروفی که در قرآن خوانده نمی شوند، برای ما مشخص هستند؟ ...

بلی، ... آنها هیچ گونه صدا و علامتی ندارند؛ پس ما بآسانی می توانیم آنها را بشناسیم و هنگام خواندن قرآن دچار اشتباه نشویم.

* حالا برای این که حروف ناخوانا را بهتر بشناسیم، آیه ها و عبارتهای قرآنی زیر را با دقّت می خوانیم:

۱ ـ اِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

۲ ـ وَ اِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ

۳ ـ وَ اِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

۴ ـ وَ اِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

٥ ـ وَاِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

٦ ـ وَاِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

٧ ـ وَالَّيْلِ اِذَا سَجٰى

٨ ـ وَالَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى

٩ ـ وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى

١٠ ـ وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْاُنْثٰى

١١ ـ وَالَّذِى قَدَّرَ فَهَدٰى

١٢ ـ اُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ



۱۳ ـ وَالَّذِی اَخْرَجَ الْمَرْعٰی

۱۴ ـ فَذَکِّرْ اِنْ نَفَعَتِ الذِّکْرٰی

۱۵ ـ اِنَّ هٰذَا لَفِی الصُّحُفِ الْاُولٰی

۱۶ ـ وَ اَنَا التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

۱۷ ـ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ

تمرین

* آیه ها و عبارتهای درس را بخوانید و خوب یاد بگیرید؛ سپس ده

+ کلمه را که ل ناخوانا دارند، با خطِّ زیبا بنویسید.

مانند: وَالنَّهٰارِ ـ لَفِی الصُّحُفِ

سورهٔ حمد

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ ۲

اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۳

مٰالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۴

اِيّٰاكَ نَعْبُدُ وَ اِيّٰاكَ نَسْتَعِينُ ۵

اِهْدِنَا الصِّرٰاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۶

صِرٰاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضّٰآلِّينَ ۷

* سورهٔ حمد را با اجازه آموزگار دسته جمعی بخوانید.

تذکر: از این درس به بعد، کلیهٔ حروف ناخوانا به رنگ سبز نوشته شده است.

تمرین

مسابقهٔ حفظ

* دانش آموزی که سورهٔ حمد را بهتر از همه حفظ کند، برندهٔ مسابقه خواهد بود.



* از آنجا که سورهٔ حمد از سوره‌های مهم قرآن است و در نماز نیز قرائت می گردد، از آموزگاران محترم تقاضا می شود نسبت به آموزش صحیح آن به دانش آموزان عزیز اهتمام بیشتری مبذول دارند.

سورهٔ ناس

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّٰاسِ ۱

مَلِكِ النّٰاسِ ۲

اِلٰهِ النّٰاسِ ۳

مِنْ شَرِّ الْوَسْوٰاسِ الْخَنّٰاسِ ۴

اَلَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النّٰاسِ ۵

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّٰاسِ ۶

سورهٔ لَیل «آیه های ۱ تا ۶»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالَّيْلِ اِذٰا يَغْشٰى ۱

وَالنَّهٰارِ اِذٰا تَجَلّٰى ۲

وَ مٰا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ۳

اِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى ۴

فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَاتَّقٰى ۵

وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ۶

سورهٔ تکاثر

«آیه های ۱ تا ۶»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْهٰيكُمُ التَّكٰاثُرُ ۱

حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقٰابِرَ ۲

كَلّٰا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۳

ثُمَّ كَلّٰا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۴

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۝٥

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۝٦

تمرین

* درس را چند بار با دقّت بخوانید؛ سپس کلمه هایی را که ی ناخوانا دارند بنویسید.

درس نهم

ـًـ = ـَـ نْ

* هرگاه این علامت ـًـ روی حرفی قرار بگیرد، آن را با صدای ـَـ نْ می خوانیم.

* مثال:

رَحْمَـةً که خوانده می شود رَحْمَتَـنْ

مَثَـلاً که خوانده می شود مَثَـلَنْ

هُدًی که خوانده می شود هُدَنْ

* یک بار دیگر به مثالهای بالا توجّه کنید؛

می توانید بگویید چرا ا در کلمهٔ مَثَـلاً و ی در کلمهٔ هُدًی خوانده نمی شود؟

. . . . . بلی، درست است.

برای آن که ناخوانا هستند.

۱ ـ حال که این درس را خوب یاد گرفته اید، کلمه های زیر را یک بار بخش بخش و یک بار باهم بخوانید.

مانند: کِـ تا بًا = کِتابًا

اَحَدًا ـ اَمْرًا ـ حَبًّا ـ حَقًّا ـ بَصیرًا ـ سَعیرًا

یَسیرًا ـ صَفًّا ـ حِسابًا ـ صِراطًا ـ اَلْفافًا

حَیٰوةً ـ رَحْمَةً ـ تَذْکِرَةً ـ مَغْفِرَةً ـ خاشِعَةً

راٰبِیَةً ـ راٰضِیَةً ـ صاٰحِبَةً ـ لاٰغِیَةً ـ واٰحِدَةً

اَذًی ـ سُدًّی ـ سُوًی ـ ضُحًی ـ طُوًی ـ عَمًی

هُدًی ـ مَوْلًی ـ مُفْتَرًی ـ مُسَمًّی ـ مُصَفًّی

۲ ـ آیه ها و عبارتهای قرآنی زیر را با دقّت بخوانید:

۱ ـ وَ رَفَعْناٰهُ مَکاٰنًا عَلِیًّا

۲ ـ تُساٰقِطْ عَلَیْکِ رُطَبًا جَنِیًّا

۳ ـ فَقَدْ فازَ فَوْزًا عَظِيمًا

۴ ـ وَيَهْدِيَکَ صِراطًا مُسْتَقِيمًا

۵ ـ وَ يَنْصُرَکَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيزًا

۶ ـ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَاَصِيلًا

۷ ـ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اَسِيرًا

۸ ـ فَسَوْفَ يُحاسَبُ حِسابًا يَسِيرًا

۹ ـ قالَ رَبِّ اِنِّی دَعَوْتُ قَوْمِی لَيْلًا وَ نَهارًا

۱۰ ـ وَجَعَلَ فِيها سِراجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا

۱۱ ـ اِنّا نَخافُ مِنْ رَبِّنا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

۱۲ ـ وَبَرًّا بِوالِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبّارًا عَصِيًّا

۱۳ ـ خالِدِينَ فِيها حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقامًا

۱۴ ـ اِنّا اَرْسَلْناکَ شاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا

۱۵ ـ خالِدِينَ فِيها اَبَدًا لايَجِدُونَ وَلِيًّا وَلانَصِيرًا

تمرین

* کلمه های زیر را آن طور که خوانده می شود بنویسید .

* مثال :

صَفّاً خوانده می شود صَفَّنْ

اَذًی خوانده می شود اَذَنْ

اِلٰهًا =	مُصَلًّی =
رَشَدًا =	ثَلاٰثَةً =
سُوًی =	مُلْتَحَدًا =
عِلْمًا =	ضُحًی =
مَرَّةً =	حِسٰابًا =
فٰاكِهَةً =	بَصِيرًا =
قَدْحًا =	رُوَيْدًا =

درس دهم

سورهٔ اِنشِراح

اَعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیطٰانِ الرَّجیمِ

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

اَلَم نَشرَحْ لَکَ صَدرَکَ ۱

وَ وَضَعنٰا عَنکَ وِزرَکَ ۲

اَلَّذی اَنقَضَ ظَهرَکَ ۳

وَ رَفَعنٰا لَکَ ذِکرَکَ ۴



فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۵﴾

اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿۶﴾

فَاِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴿۷﴾

وَاِلٰى رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿۸﴾

سورهٔ نَبَأ «آیه های ۶ تا ۱۳»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهَادًا ﴿۶﴾

اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا



وَالْجِبالَ اَوْتادًا ﴿۷﴾

وَخَلَقْناكُمْ اَزْواجًا ﴿۸﴾

وَجَعَلْنا نَوْمَكُمْ سُباتًا ﴿۹﴾

وَجَعَلْنَا الَّيْلَ لِباسًا ﴿۱۰﴾

وَجَعَلْنَا النَّهارَ مَعاشًا ﴿۱۱﴾

وَبَنَيْنا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدادًا ﴿۱۲﴾

وَجَعَلْنا سِراجًا وَهّاجًا ﴿۱۳﴾

تمرین

* آیه های درس را چند بار بخوانید تا خوب یاد بگیرید؛ سپس کلمه هایی را که علامت ـّـ دارند، با خطّ زیبا بنویسید.

درس یازدهم

در درس قبل با علامت ـً آشنا شدیم.

در این درس با دو علامت ـٍ و ـٌ آشنا می شویم.

* هرگاه این علامت ـٍ زیر حرفی نوشته شود، آن را با صدای ـٍنْ می خوانیم.

* مثال:

اَحَدٍ	که خوانده می شود	اَحَدِنْ
نِعْمَةٍ	که خوانده می شود	نِعْمَتِنْ

۱ ـ حالا شما کلمه های زیر را یک بار بخش بخش و یک بار با هم بخوانید:

* مثال: اَ جَـ لٍ = اَجَلٍ

شَهْرٍ ـ یَوْمٍ ـ تَکْذیبٍ ـ شاهِدٍ ـ صُحُفٍ

مَحْفُوظٍ ـ مَشْهُودٍ ـ بِمُصَیْطِرٍ ـ جَنَّةٍ ـ ذَرَّةٍ

عیشَةٍ ـ مَتْرَبَةٍ ـ رَقَبَةٍ ـ باقِیَةٍ ـ عاتِیَةٍ ـ عالِیَةٍ

* علامت ـٌ نیز مانند ـً روی حرف نوشته می شود و با صدای ـُ ن خوانده می شود.

* مانند:

اَجْرٌ که خوانده می شود اَجْرُنْ

وٰاحِدَةٌ که خوانده می شود وٰاحِدَتُنْ

۲ ـ حالا کلمه های زیر را یک بار بخش بخش و یک بار با هم بخوانید:

* مثال: سُـ رُ رٌ = سُرُرٌ

خَیْـرٌ ـ فَضْلٌ ـ اَحَدٌ ـ وُجُوهٌ ـ لَخَبیرٌ ـ لَشَهیدٌ

لَـکَنُودٌ ـ لَشَدیـدٌ ـ حٰافِظٌ ـ کُتُـبٌ ـ اِطْعٰامٌ

اِسْتَبْـرَقٌ ـ اَکْوٰابٌ ـ غَفُورٌ ـ غَنِیٌّ ـ مُذَکِّرٌ ـ حٰامِیَـةٌ

خٰاشِعَـةٌ ـ دٰانِیَـةٌ ـ کٰامِلَـةٌ ـ ذِلَّـةٌ ـ عٰامِلَـةٌ

نٰاظِرَةٌ ـ هٰاوِیَـةٌ ـ مَـرْفُوعَـةٌ ـ مَغْفِـرَةٌ

۳ ـ کلمه های زیر را با اجازهٔ آموزگار دسته جمعی بخوانید:

حُبّاً جَمّاً ـ وَ عِنَباً وَ قَضْباً ـ لِیَومٍ عَظیمٍ

کِرامٍ بَرَرَةٍ ـ صِراطٍ مُستَقیمٍ ـ وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ

فی لَوحٍ مَحفُوظٍ ـ فی صُحُفٍ مُکَرَّمَةٍ

فی جَنَّةٍ عالِیَةٍ ـ غَفُورٌ رَحیمٌ ـ خَبیرٌ بَصیرٌ

غَنِیٌّ حَمیدٌ ـ عَیْنٌ جارِیَةٌ ـ وَ اَکْوابٌ مَوْضُوعَةٌ

ضاحِکَةٌ مُستَبْشِرَةٌ ـ اَجْرٌ کَبیرٌ ـ عَذابٌ اَلیمٌ

سَمیعٌ بَصیرٌ ـ قَوِیٌّ عَزیزٌ ـ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

سِحْرٌ مُبینٌ ـ فَتْحٌ قَریبٌ ـ رَسُولٌ اَمینٌ

به این علامتها ـً ـٍ ـٌ تنوین می گویند.

تمرین

* کلمه های زیر را آن طور که خوانده می شوند بنویسید :

۱ ـ اَجْرٌ عَظیمٌ	=	اَجْرُنْ عَظیمُنْ
۲ ـ حُبًّا جَمًّا	=	حُبَّنْ جَمَّنْ
۳ ـ جَنَّةٍ عالِیَةٍ	=	جَنَّتِنْ عالِیَتِنْ
۴ ـ عامِلَةٌ ناصِبَةٌ	=	
۵ ـ مالاً لُبَدًا	=	
۶ ـ کِرامٍ بَرَرَةٍ	=	
۷ ـ حِسابًا یَسیرًا	=	
۸ ـ کُتُبٌ قَیِّمَةٌ	=	
۹ ـ وَلَیالٍ عَشْرٍ	=	
۱۰ ـ کِتابٌ مَرْقُومٌ	=	

درس دوازدهم

* آیه ها و عبارتهای قرآنی زیر را با دقّت بخوانید:

۱ ـ فیها کُتُبٌ قَیِّمَةٌ

۲ ـ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ اَلیمٍ

۳ ـ لَتَرْکَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ

۴ ـ تِلْکَ اِذًا کَرَّةٌ خاسِرَةٌ

۵ ـ فَاِنَّما هِیَ زَجْرَةٌ واحِدَةٌ

۶ ـ لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ.

۷ ـ یُسْقَوْنَ مِنْ رَحیقٍ مَخْتُومٍ

۸ ـ وَلا تُطِعْ کُلَّ حَلّافٍ مَهینٍ

۹ ـ اِنّا اَنْذَرْناکُمْ عَذابًا قَریبًا

۱۰ ـ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ اَجْرٌ کَبیرٌ

۱۱ ـ خاشِعَةً اَبْصارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ

۱۲ ـ عٰالِیَـهُمْ ثِـیٰابُ سُنْـدُسٍ خُضْرٌ وَ اِسْتَبْـرَقٌ

۱۳ ـ وَلٰا رَطْبٍ وَ لٰا یٰابِسٍ اِلّٰا فی کِتٰابٍ مُبیـنٍ

۱۴ ـ قٰالَ مٰا مَـکَّنّـی فیـهِ رَبّـی خَیْـرٌ فَاَعینُونی بِقُوَّةٍ

تمرین

* درس را با دقّت بخوانید؛ سپس ۵ کلمه را که علامت ـً و ۵ کلمه را که علامت ـٌ دارند انتخاب کرده بنویسید:

سورهٔ کافرون

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

قُلْ یٰا اَیُّهَا الْکٰافِرُونَ ۱

لٰا اَعْبُدُ مٰا تَعْبُدُونَ ۲

وَ لٰا اَنْتُمْ عٰابِدُونَ مٰا اَعْبُدُ ۳

وَلٰا اَنَا عٰابِدٌ مٰا عَبَدْتُمْ ۴

وَلٰا اَنْتُمْ عٰابِدُونَ مٰا اَعْبُدُ ۵

لَکُمْ دِینُکُمْ وَلِیَ دِینِ ۶

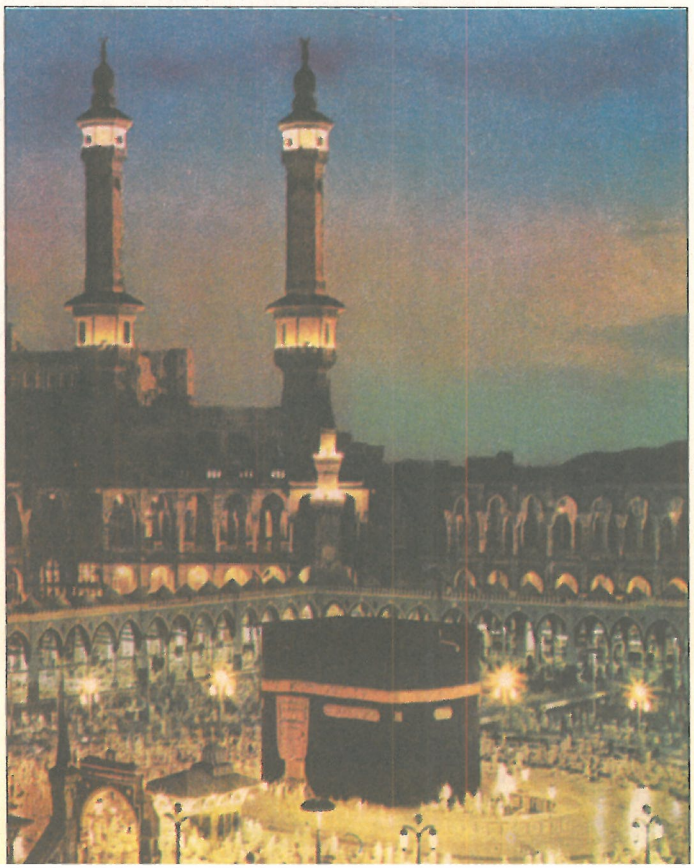
سورهٔ بلد

«آیه های ۱ تا ۶»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ۱

وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ۲



وَ وٰالِدٍ وَ مٰا وَلَدَ ۳

لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسٰانَ فِی کَبَدٍ ۴

اَیَحْسَبُ اَنْ لَنْ یَقْدِرَ عَلَیْهِ اَحَدٌ ۵

یَقُولُ اَهْلَکْتُ مٰالاً لُبَدًا ۶

تمرین

* درس را با دقّت بخوانید؛ سپس کلمه هایی را که علامت ـً ـٍ ـٌ دارند، با خطِّ زیبا بنویسید.

درس چهاردهم

دانش‌آموزان گرامی!

* با یاری خداوند متعال، نکات مهم و اصلی قرائت قرآن کریم را آموخته‌اید. حال که صداها و علامتهای ـَـِـُ ، ـً ، اـیـُو ، ـّ ، ـّـً و حروف ناخوانا را یاد گرفته‌اید، قادر هستید اکثر آیه‌های قرآن کریم را بخوانید.

حتماً متوجّه شده‌اید که خواندن قرآن چقدر آسان است و اگر هنگام خواندن به صدا یا علامت هر حرف خوب توجّه کنیم، خواندن قرآن حتی از خواندن فارسی هم آسانتر خواهد بود. اکنون با توجّه به همهٔ صداها و علامتهایی که تاکنون آموخته‌اید، آیه‌ها و عبارتهای قرآنی زیر را بخوانید:

۱ ـ لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوا مِمّٰا تُحِبُّونَ

۲ ـ بَلِ اللّٰهُ مَوْلیٰکُمْ وَ هُوَ خَیْرُ النّٰاصِرینَ

۳ ـ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقَوْا وَالَّذینَ هُمْ مُحْسِنُونَ

۴ ـ ذٰلِکَ الْکِتابُ لاٰ رَیْبَ فیهِ هُدًی لِلْمُتَّقینَ

۵ ـ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

۶ ـ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللّٰهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

۷ ـ إِنَّ اللّٰهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۸ ـ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۹ ـ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۱۰ ـ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۱۱ ـ وَقَضٰى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

تمرین

* درس را با دقّت بخوانید؛ سپس جلوی آیه‌ها و عبارتهایی که تنوین ندارند، علامت بگذارید.

درس پانزدهم

سورهٔ فیل

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِاَصْحٰابِ الْفِیلِ ۱

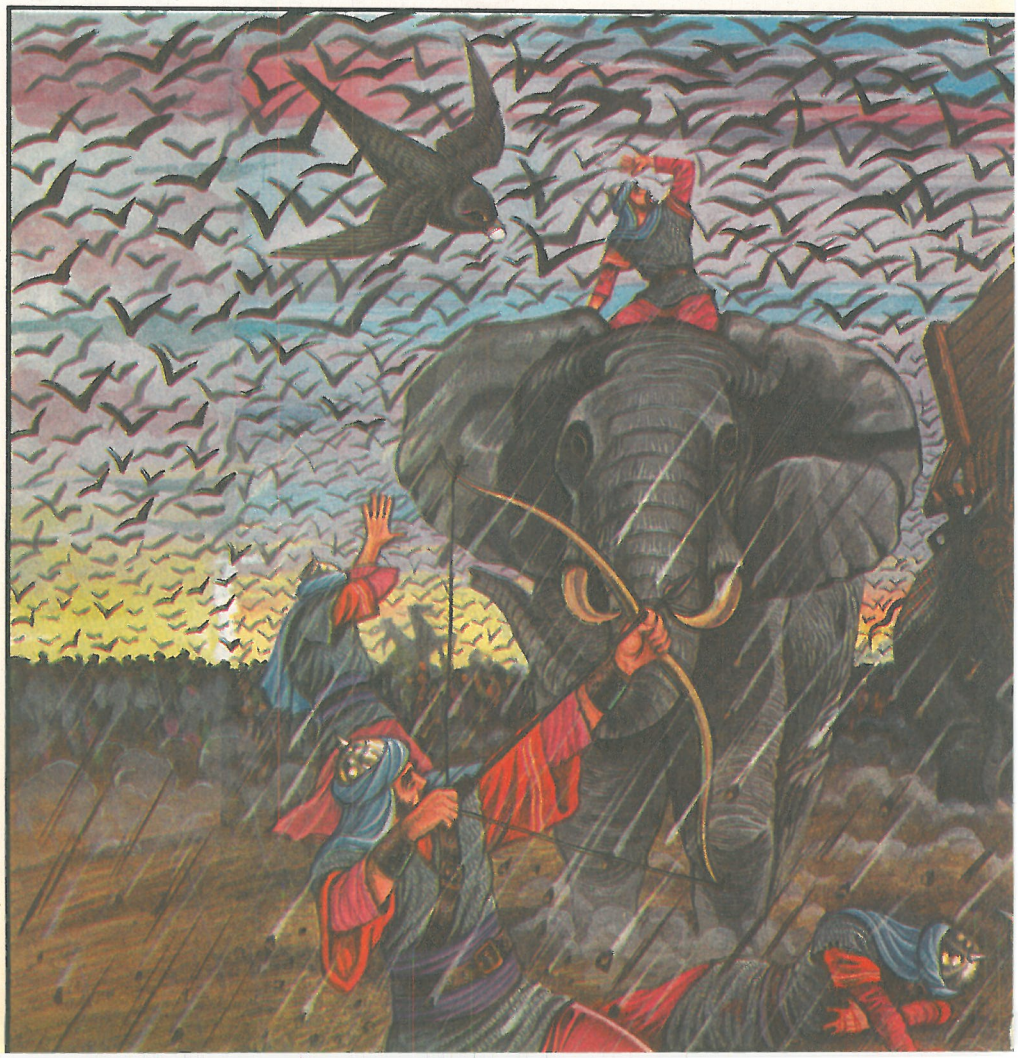


اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِى تَضْلِيلٍ ۲

وَ اَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيلَ ۳

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۴

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَاْكُولٍ ۵



سورهٔ فلق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝١

مِنْ شَرِّ مٰا خَلَقَ ۝٢

وَ مِنْ شَرِّ غٰاسِقٍ اِذٰا وَقَبَ ۝٣

وَ مِنْ شَرِّ النَّفّٰاثٰاتِ فِي الْعُقَدِ ۝٤

وَ مِنْ شَرِّ حٰاسِدٍ اِذٰا حَسَدَ ۝٥

تمرین

* سوره‌های فیل و فلق را با دقّت بخوانید؛ سپس کلمه‌هایی را که صدای یِـ دارند بنویسید.

سورهٔ اَحزاب

«آیه های ۶۴ تا ۶۶»

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰانِ الرَّجِیمِ

اِنَّ اللّٰهَ لَعَنَ الْکٰافِرِینَ

وَ اَعَدَّ لَهُمْ سَعِیرًا ﴿۶۴﴾

خٰالِدِینَ فِیهٰا اَبَدًا

لٰا یَجِدُونَ وَلِیًّا وَ لٰا نَصِیرًا ﴿۶۵﴾

یَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِی النّٰارِ

یَقُولُونَ یٰا لَیْتَنٰا اَطَعْنَا اللّٰهَ وَ اَطَعْنَا الرَّسُولٰا ﴿۶۶﴾

سورهٔ صافّات

«آیه های ۱۷۱ تا ۱۷۶»

وَلَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنٰا

لِعِبادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۷۱﴾

اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿۱۷۲﴾

وَاِنَّ جُنْدَنا لَهُمُ الْغالِبُونَ ﴿۱۷۳﴾

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتّٰى حِينٍ ﴿۱۷۴﴾

وَاَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۱۷۵﴾

اَفَبِعَذابِنا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۱۷۶﴾

تمرین

* درس را با دقّت بخوانید؛ سپس کلمه هایی را که در آنها تنوین وجود دارد با خط زیبا بنویسید.



درس هفدهم

سورهٔ شمس

«آیه های ۶ تا ۱۵»

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

وَالْاَرْضِ وَ مٰا طَحٰیهٰا ۶

وَ نَفْسٍ وَ مٰا سَوّٰیهٰا ۷

فَاَلْهَمَهٰا فُجُورَهٰا وَ تَقْوٰیهٰا ۸

قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَکّٰیهٰا ۹

وَقَدْ خٰابَ مَنْ دَسّٰیهٰا ۱۰



كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوٰيهَا ﴿١١﴾

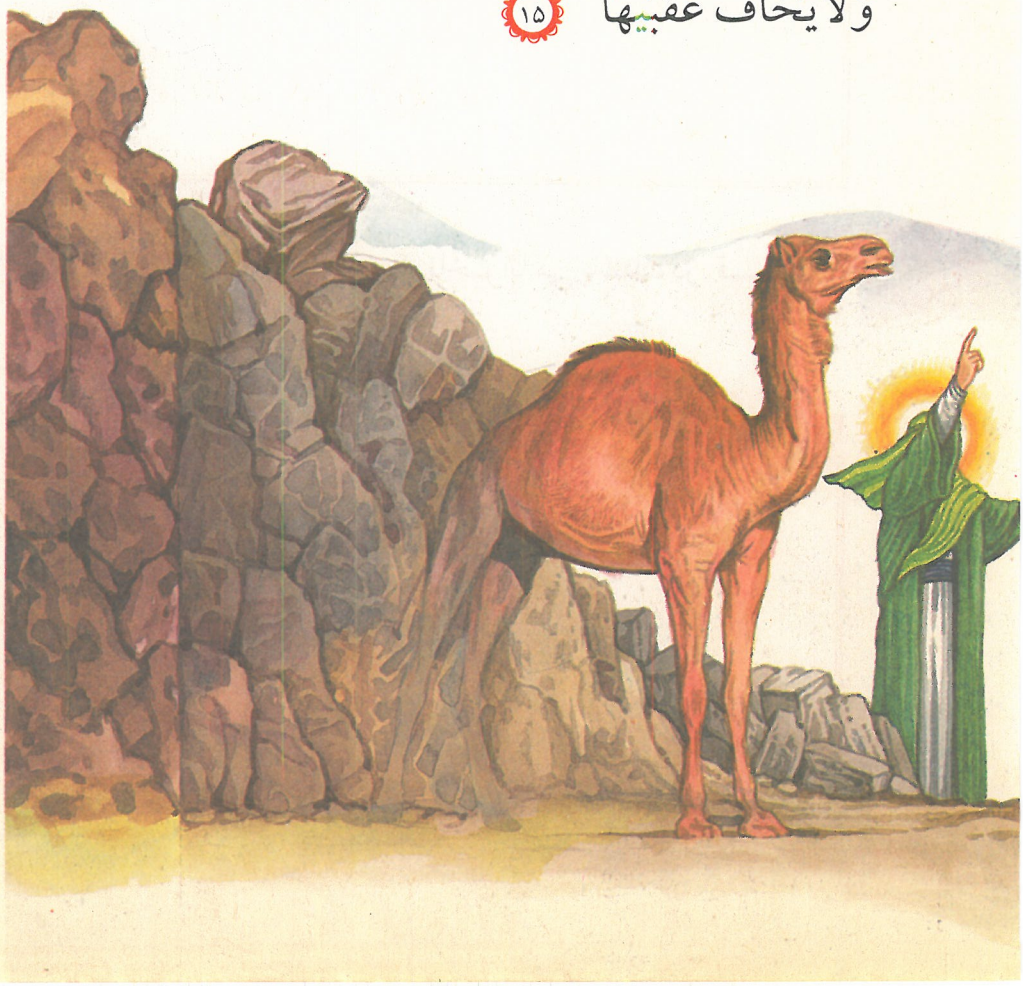
اِذِ انْبَعَثَ اَشْقٰيهَا ﴿١٢﴾

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللّٰهِ نَاقَةَ اللّٰهِ وَسُقْيٰهَا ﴿١٣﴾

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا

فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوّٰيهَا ﴿١٤﴾

وَلَا يَخَافُ عُقْبٰيهَا ﴿١٥﴾



تمرین

۱ ـ درس را با دقّت قرائت کنید تا بتوانید صحیح و روان بخوانید.

۲ ـ آیه هایی را که صدای ـُـ و ـِـ ندارند، در قسمت زیر بنویسید.

۳ ـ کلمه هایی را که دارای یـ ناخوانا می باشند، در قسمت زیر بنویسید.

سورهٔ لقمان

«آیه های ۲۸ تا ۳۰»

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

مٰا خَلْقُکُمْ وَلَا بَعْثُکُمْ اِلَّا کَنَفْسٍ وٰاحِدَةٍ

اِنَّ اللّٰهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ ۲۸

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ یُولِجُ الَّیْلَ فِی النَّهٰارِ

وَ یُولِجُ النَّهٰارَ فِی الَّیْلِ

وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

کُلٌّ یَجْرِی اِلٰی اَجَلٍ مُسَمًّی

وَ اَنَّ اللّٰهَ بِمٰا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ ۲۹

ذٰلِکَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ

وَاَنَّ مٰا یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبٰاطِلُ

وَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْکَبِیرُ ۳۰

تمرین

* درس را با دقّت بخوانید و کلمه هایی را که تنوین دارند، در قسمت زیر با خطّ زیبا بنویسید.

سورهٔ ق (قاف)

«آیه های ۳۸ تا ۴۴»

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضَ

وَ مٰابَيْنَهُمٰا فِى سِتَّةِ اَيّٰامٍ

وَ مٰا مَسَّنٰا مِنْ لُغُوبٍ ۳۸

فَاصْبِرْ عَلٰى مٰا يَقُولُونَ

وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ

قَبْلَ الْغُرُوبِ ۳۹

وَ مِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ اَدْبٰارَ السُّجُودِ ۴۰

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنٰادِ الْمُنٰادِ مِنْ مَكٰانٍ قَرِيبٍ ۴۱

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿۴۲﴾

اِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ اِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿۴۳﴾

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْاَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا

ذٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿۴۴﴾

تمرین

* درس را با دقّت بخوانید؛ سپس کلمه هایی را که صدای ی دارند بنویسید.

سورهٔ زُمَر

«آیه های ۱۹ و ۲۰»

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجِيمِ

اَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذٰابِ

اَفَاَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِى النّٰارِ ۱۹

لٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ

لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهٰا غُرَفٌ

مَبْنِيَّةٌ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰارُ

وَعْدَ اللّٰهِ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ الْمِيعٰادَ ۲۰

سورهٔ مؤمن

«آیه های ۶۰ و ۶۱»

وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی اَسْتَجِبْ لَکُمْ

اِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی

سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ ﴿۶۰﴾

اَللّٰهُ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الَّیْلَ

لِتَسْکُنُوا فیهِ وَ النَّهارَ مُبْصِرًا

اِنَّ اللّٰهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَی النّاسِ

وَلٰکِنَّ اَکْثَرَ النّاسِ لایَشْکُرُونَ ﴿۶۱﴾

تمرین

* درس را با دقّت قرائت کنید تا بتوانید صحیح و روان بخوانید.

قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن

(ویژهٔ امور تربیتی)

این قسمت مخصوص مسابقات قرآن است
و جزء درس رسمی کتاب نمی باشد.

نماز و ترجمهٔ آن
برنامهٔ هفتگی قرآن صبحگاهی

تهیّه و تنظیم
کارشناسی قرآن معاونت پرورشی

دانش آموزان عزیز!

اکنون که به یاری خداوند با قرآن مجید آشنا شده اید و ارزش و اهمیّت آموختن قرآن و عمل کردن به آن را می دانید، بهتر است که با علاقه و پشت کار در این راه بکوشید تا از این گنجینه بزرگ الهی بیشتر بهره مند شوید.

از اینرو با شرکت فعّال در برنامه قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن، علاقهٔ خود را به قرآن مجید نشان دهید و از این کتاب مقدّس و ارزشمند بیشتر استفاده کنید.

برای آشنایی بیشتر با این برنامه، به جدول صفحهٔ بعد نگاه کنید. در این جدول امتیازات مربوط به قسمتهای مختلف مسابقه درج گردیده است. برای آگاهی بیشتر می توانید به مربّی پرورشیِ مدرسه خود مراجعه کنید.

جدول امتیازات مواد آموزش و مسابقات قرآن

گروههای «ق» کلاس سوم ـ «ر» کلاس چهارم ـ «الف» کلاس پنجم ابتدایی

مواد	توضیحات	مجموع ۸۰۰
قرائت	صحت قرائت کتاب قرآن درسی	۱۰۰
	صوت و لحن	۱۵۰
حفظ و مفاهیم	قرائت و ترجمه نماز	۱۰۰
	حفظ شعارهای هفته با ترجمه	۱۰۰
	حفظ سوره های کتاب قرآن درسی و قرآن صبحگاهی	۲۰۰
اخلاق و رفتار	اخلاق و رفتار در منزل و مدرسه	۱۵۰

اذان و اقامه و نماز و ترجمه آنها و نیز احادیث و شعارهای هفته در صفحات بعد آمده است تا ان شاءاللّه باید گرفتن آنها در هفتهٔ قرآن در مسابقات شرکت کنید و امتیازات خوبی بدست آورید. امیدواریم که شاگرد شایسته قرآن و اسلام باشید و توجّه کنید که «برتری قرآن بر دیگر کتابها چون برتری خالق است بر مخلوق و احترام به قرآن، احترام به خدا و پیامبر(ص) است». برای آیات و سوره های تعیین شده می توانید از سوره های همین کتاب و نیز قرآنهای موجود استفاده کنید.

نماز و ترجمه آن

متن	ترجمه	اذان	اقامه
اَللّٰهُ اَکْبَرُ	خدا بزرگتر است	۴ بار	۲ بار
اَشْهَدُ اَنْ لااِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ	گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست .	۲ بار	۲ بار
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ	گواهی می دهم محمد(ص) فرستادهٔ خداست .	۲ بار	۲ بار
اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّ اللّٰهِ	گواهی می دهم علی (ع) ولیّ خداست .	۲ بار	۲ بار
حَیَّ عَلَی الصَّلٰوةِ	بشتاب بسوی نماز .	۲ بار	۲ بار
حَیَّ عَلَی الْفَلاٰحِ	بشتاب بسوی رستگاری .	۲ بار	۲ بار
حَیَّ عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ	بشتاب بسوی بهترین عمل .	۲ بار	۲ بار
قَدْ قامَتِ الصَّلٰوةُ	همانا نماز برپا شده است .	نمی خوانیم	۲ بار
اَللّٰهُ اَکْبَرُ	خدا بزرگتر است	۲ بار	۲ بار
لااِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ	خدایی جز خدای یگانه نیست .	۲ بار	۱ بار

سورهٔ حمد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند بخشنده مهربان .
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ	سپاس مخصوص خدایی است
رَبِّ الْعالَمِينَ	که پروردگار جهانیان است .
اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ	بخشنده و مهربان است .
مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ	صاحب روز جزا است .
اِيّاكَ نَعْبُدُ	(خدایا) تنها تو را می پرستیم
وَ اِيّاكَ نَسْتَعِينُ	و تنها از تو یاری می خواهیم .
اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ	ما را به راه راست هدایت فرما .
صِراطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ	راه کسانی که به ایشان نعمت داده ای
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ	نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای
وَلَا الضّالِّينَ	و نه گمراهان .

سورهٔ توحید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ	به نام خداوند بخشنده مهربان.
قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ	بگو او خداوند یکتاست.
اَللّٰهُ الصَّمَدُ	خداوند بی نیاز است.
لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ	نزاده و زاییده نشده است.
وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ	و هیچ کس همتای او نیست.

ذکر رکوع

سُبْحٰانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ	پاک و منزه است پروردگارِ بزرگِ من
وَ بِحَمْدِهِ	و او را ستایش می کنم.

ذکر بعد از رکوع

سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ	خداوند ستایش کسی که او را می ستاید می شنود.

ذکر سجود

سُبْحٰانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی	پاک ومنزه است پروردگار بلند مرتبهٔ من
وَ بِحَمْدِهِ	و او را ستایش می کنم.

ذکر هنگام برخاستن

بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهٖ	با نیرو و قدرت خداوند
اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ	برمی خیزم و می نشینم.

قنوت

رَبَّنٰا ءٰاتِنٰا فِی الدُّنْیٰا حَسَنَةً	پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا کن
وَ فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً	و در آخرت نیز به ما نیکی عطا بفرما
وَ قِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ	و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار.

تسبیحات اربعه

سُبْحٰانَ اللّٰهِ	پاک و منزه است خدا
وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ	و ستایش مخصوص خداست.
وَ لٰا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ	و خدایی جز خدای یگانه نیست
وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ	و خدا بزرگتر است.

تشهد

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.

وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ یکتاست و شریکی ندارد.

وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا و گواهی می دهم که محمد (ص)

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ بنده و فرستادهٔ اوست.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ خدایا بر محمد(ص)وخاندان اودرود ورحمت

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بفرست.

سلام

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ سلام بر تو ای پیامبر

وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ و رحمت و برکتهای خدا بر تو باد.

اَلسَّلامُ عَلَیْنا سلام بر ما

وَ عَلٰی عِبادِاللّٰهِ الصّالِحِینَ و بر بندگان شایستهٔ خدا

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ سلام بر شما

وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ و رحمت و برکتهای خدا بر شما باد.

برنامهٔ هفتگی قرآن صبحگاهی دورهٔ ابتدایی

هفتهٔ اوّل

قرائت: سورهٔ حمد و سورهٔ توحید

شعار هفته: جهاد

اَلْجِهادُ عِمادُ الدِّینِ وَ مِنْهاجُ السُّعَداءِ. جهاد و مبارزه در راه خدا ستون دین و راه نیکبختان است.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ دوم

قرائت: سورهٔ ناس

شعار هفته: احترام و مقام معلّم

تَواضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ. به کسی که علم از او می‌آموزید احترام کنید.

امام صادق (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ سوم

قرائت: سورهٔ لیل آیات (۱ تا ۶)

شعار هفته: دوست یابی

صاحِبِ الْعُقَلاءَ وَ جالِسِ الْعُلَماءَ. با خردمندان هم سخن و با دانشمندان همنشین باش.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ چهارم **قرائت:** سورهٔ تکاثر

شعار هفته: احترام به پدر و مادر

عُقُوقُ الْوالِدَيْنِ مِنَ الْكَبآئِرِ. آزار پدر و مادر از بزرگترین گناهان است.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ پنجم **قرائت:** سورهٔ انشراح

شعار هفته: سلام

اِنَّ اَوْلَى النّاسِ بِاللّٰهِ وَ بِرَسُولِهِ مَنْ بَدَاَ بِالسَّلامِ. کسی که اوّل سلام می کند به خدا و رسول خدا نزدیکتر است.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّم)

هفتهٔ ششم **قرائت:** سورهٔ نَبَأ آیات (۶ تا ۱۳)

شعار هفته: پرهیز از ناسزاگویی

اِنَّ اللّٰهَ لايُحِبُّ كُلَّ فاحِشٍ مُتَفَحِّشٍ. خداوند فحش دهنده و ناسزاگو را دوست نمی دارد.

امام باقر (عَلَيْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ هفتم

قرائت : سورهٔ کافرون

شعار هفته : نماز

اَحَبُّ الْاَعْمالِ اِلَی اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ الصَّلٰوةُ. محبوبترین اعمال نزد خداوند متعال نماز است.

امام صادق (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ هشتم

قرائت : سوره بلد آیات (۱ تا ۶)

شعار هفته : خوش اخلاقی

اِنَّ اَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. به راستی که بهترین نیکی اخلاق نیکوست.

امام حسن (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ نهم

قرائت : سورهٔ فیل

شعار هفته : پرهیز از پرخوری

مَنْ قَلَّ طَعامُهُ، صَحَّ بَطْنُهُ، وَ صَفا قَلْبُهُ. هر کس که غذایش کم باشد بدنش سالم و قلبش پاکیزه است.

پیامبر اکرم (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّم)

هفتهٔ دهم

قرائت : سورهٔ فلق

شعار هفته : پرهیز از اذیّت و آزار

اَلْحازِمُ مَنْ کَفَّ اَذاهُ. عاقل کسی است که از آزار و اذیّت خودداری کند.

امام علی (علیه السّلام)

هفتهٔ یازدهم

قرائت : سورهٔ ماعون

شعار هفته : شجاعت

اَلْعَجْزُ آفَةٌ وَالصَّبْرُ شَجاعَةٌ. ناتوانی برای انسان بلا و صبر داشتن شجاعت است.

امام علی (علیه السّلام)

هفتهٔ دوازدهم

قرائت : سورهٔ قدر

شعار هفته : پرهیز از اِسراف

اَلسَّرَفُ مَثْواةٌ وَالْقَصْدُ مَثْراةٌ. زیاده روی فقر و تنگدستی است و میانه روی ثروت و بی نیازی است.

امام علی (علیه السّلام)

هفتهٔ سیزدهم

قرائت: سورهٔ کوثر

شعار هفته: احسان و نیکی

بِالْاِحْسانِ تُمْلَکُ الْقُلُوبُ. با نیکی دلها جذب می شوند.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ چهاردهم

قرائت: سورهٔ تبّت

شعار هفته: پرهیز از حسد

اِیّاکَ وَالْحَسَدَ فَاِنَّهُ شَرُّ شِیمَةٍ. از حسد به‌دور باش زیرا حسد بدترین رفتارهاست.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ پانزدهم

قرائت: سورهٔ نصر

شعار هفته: مسواک کردن

نَظِّفُوا اَفْواهَکُمْ فَاِنَّها طُرُقُ الْقُرْءانِ. دهان خود را تمیز نگهدارید زیرا دهان شما وسیله تلاوت قرآن است.

پیامبر اکرم (صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ ءالِهِ وَسَلَّم)

هفتهٔ شانزدهم **قرائت:** سورهٔ همزه

شعار هفته: صبر

اَلصَّبْرُ يُعَقِّبُ خَيْرًا فَاصْبِرُوا تَظْفَرُوا. بدنبال صبر نیکی و خوبی است. پس صبور باشید تا پیروز شوید.

امام صادق (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ هفدهم **قرائت:** سورهٔ فجر آیات (۱ تا ۹)

شعار هفته: راست گویی

اَلصّادِقُ مُكْرَمٌ جَليلٌ. راستگو عزیز و بزرگوار است.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ هیجدهم **قرائت:** سورهٔ فجر آیات (۱۰ تا ۱۵)

شعار هفته: پرهیز از عیب جویی

تَتَبُّعُ الْعُيُوبِ مِنْ اَقْبَحِ الْعُيُوبِ وَ شَرُّ السَّيِّئاتِ. عیب جویی از زشت ترین عیبها و بدترین بدیهاست.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ نوزدهم **قرائت:** سورهٔ فجر آیات (۱۶ تا ۲۲)

شعار هفته: قرآن

اِقْرَؤُا الْقُرْءانَ وَ اسْتَظْهِرُوهُ. قرآن را بخوانید و از آن یاری بجویید.

پیامبر اکرم (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَءالِهِ وَسَلَّم)

هفتهٔ بیستم **قرائت:** سورهٔ فجر آیات (۲۳ تا ۳۰)

شعار هفته: ادب

لا زِینَةَ کَالْاَدَبِ. هیچ زینتی برای انسان مثل ادب نیست.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ بیست و یکم **قرائت:** سورهٔ دخان آیات (۱ تا ۷)

شعار هفته: امانت داری

اَلْاَمانَةُ وَالْوَفاءُ صِدْقُ الْاَفْعالِ. امانت داری و وفای به عهد از کارهای خوب و پسندیده است.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

هفتهٔ بیست و دوم **قرائت:** سورهٔ روم آیات (۱ تا ۵)

شعار هفته: دعا

اَفْضَلُ الْعِبادَةِ الدُّعاءُ. دعا از بهترین عبادتهاست.

پیامبر اکرم (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ ءالِهِ وَسَلَّم)

هفتهٔ بیست و سوم **قرائت:** سورهٔ اَعراف آیات (۱ تا ۴)

شعار هفته: نظافت

اِنَّ اللّٰهَ تَعالٰی نَظیفٌ یُحِبُّ النَّظافَةَ. به راستی که خداوند متعال خود پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.

پیامبر اکرم (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ ءالِهِ وَسَلَّم)

هفتهٔ بیست و چهارم **قرائت:** سورهٔ شوری آیات (۱ تا ۶)

شعار هفته: عهد و پیمان

اَلْوَفاءُ سَجِیَّةُ الْکِرامِ. وفای به عهد اخلاق بزرگان است.

امام علی (عَلَیْهِ السَّلامُ)

تعلیمات دینی

تألیف

ابراهیم امینی، سید علی اکبر موسوی حسینی

با همکاری

جمعی از دانشمندان

به‌نام خدا

از معلّمان و مربّیان محترم تقاضا می‌شود که این نوشته را مجدّداً مطالعه فرمایند.

آموزگار و مربّی متعهّد و گرامی!

درود برشما که چنین شغل انسان ساز و ارزشمندی را پذیرفته‌اید و در اثر انجام وظیفه از خدا پاداش نیک خواهید گرفت. خدای را سپاس که با لطف بی‌پایانش و با رهبریهای مربی بزرگ و مرجع اندیشمند، حضرت آیت اللّه امام خمینی «قدّس سرّه الشّریف» و با ایثارگریهای امّت مسلمان و شجاع ایران، انقلاب اسلامی ما را به پیروزی رسانید. و در پی آن انقلاب فرهنگی آغاز شد و پیام امام در رسید که «تربیت و تزکیه بر تعلیم مقدّم است» اینک بسیار متأسفیم که چنین رهبر عظیم‌الشأنی را از دست دادیم. امّا خدای را سپاس می‌گوییم که دراثر الطاف ویژه‌اش، شایسته‌ترین و آگاه‌ترین شاگردان حضرت امام، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای دامت برکاته، به مقام معظم رهبری امّت اسلام انتخاب شدند و با رهبریهای آگاهانه و قاطعانه خود در تعقیب اهداف مقدس حضرت امام جدّیّت می‌نمایند و همانند او به تعلیم و تربیت عنایت کامل دارند.

اینک به منظور تدریس این کتاب از شما استمداد می‌جوییم و به طور فشرده نکات زیر را یادآور می‌شویم:

۱ ــ هدف از تألیف این کتاب تنها انتقال یک سلسله مفاهیم و اصطلاحات دینی به ذهن دانش‌آموزان عزیز نیست. هدف فقط این نیست که درسها را خوب بخوانند و خوب پاسخ دهند. بلکه هدف اساسی پرورش صحیح روح و روان دانش‌آموزان و تکامل بخشیدن به زندگانی آنهاست. هدف این نیست که مطالب را طوطی‌وار از بر کنند و پاسخ دهند؛ بلکه هدف این است که عقاید صحیح دینی با ذاتشان درآمیزد و از عمق جانشان بجوشد. به طوری که از دستبرد شیطان صفتان درامان بمانند. هدف این نبوده که فقط اخلاق و رفتار نیک را از بد بشناسند و خوب پاسخ دهند؛ بلکه هدف اصلی این بوده که اخلاق نیک در باطن وجودشان نفوذ کند و با صفات شایستهٔ انسانی پرورش یابند.

هدف این بوده که از کودکان امروز مردان و زنان شایسته و متعهّد و درستکار و خیرخواه و مهربان و بلند همّت و دانشمند و خدادوستِ آینده را بسازیم تا با دلی لبریز از ایمان به پا خیزند و آیین حیاتبخش اسلام و انقلاب اسلامی را در جهان گسترش دهند. کشور بزرگ اسلام را آباد سازند. به یاری ستمدیدگان بشتابند و با

مستکبران مبارزه کنند و به خلقهای محروم و مستضعف جهان تحرّک بخشند.

ولی به خوبی آگاهیم که کتاب تنها نمی‌تواند این هدف بزرگ را تأمین کند، لذا، از همان آغاز، تمام امیدمان به شما مربّیان، آموزگاران متعهّد و وظیفه‌شناس بوده و هست. این شما هستید که با گفتار و رفتار نیکتان می‌توانید این امانتهای گرانمایهٔ الٰهی، یعنی کودکان، را به بهترین وجه پرورش دهید و انقلاب فرهنگی را هر چه بهتر به ثمر رسانید. این شما هستید که می‌توانید به پاس خون هزاران شهید و جانباز، برای رضای خدا، به پا خیزید و اعتقادات گرانقدر اسلامی را در روح و روان کودکان استوار سازید و از کودکان امروز شایسته‌ترین، دلیرترین و درستکارترین انسانهای فردا را پرورش دهید.

آری چنین مسئولیّت بزرگی بر دوش شما نهاده شده و امّت به پا خاستهٔ ایران و ارواح پاک هزاران شهید از شما چنین انتظاری دارند و اگر کسی در این باره کوچکترین کوتاهی روا دارد ــ که هرگز روا نمی‌دارد ــ در پیشگاه خدا و بندگان او مسئول خواهد بود.

۲ ــ دانش‌آموزان را به خواندن و بازخواندن درسها و خوب نوشتن آنها تشویق کنید. سعی کنید دانش‌آموزان مطالب را خوب بفهمند و در عمق جانشان نفوذ کند. آنان را تشویق کنید تا درسها را با یکدیگر مباحثه کنند و از همدیگر بپرسند و پاسخ دهند.

۳ ــ به هنگام تدریس تنها شما متکلّم نباشید بلکه علاوه براین که با بیانات و توضیحات شیرین و صریح خود مطالب را به خوبی روشن می‌کنید، دانش‌آموزان را نیز در بیان درس و نتیجه‌گیری به کمک بخواهید و مخصوصاً نتیجه‌گیری را برعهدهٔ خود دانش‌آموزان بگذارید و آنان را یاری کنید تا پاسخ صحیح را خود بیابند. کودکان بر فطرت توحید و خداپرستی و با نهاد پاک آفریده شده‌اند، شما فطرتشان را بیدار سازید و روانشان را در جهت صراط مستقیم خداپرستی و توحید قرار دهید.

۴ ــ شما در نظر دانش‌آموزان و اولیای آنان از موقعیّت ویژه‌ای برخوردارید. دانش‌آموزان شما را انسان برتر و شخصیت ممتاز می‌شمارند پیوسته به اخلاق و گفتار و رفتار شما می‌نگرند، از شما تقلید می‌کنند و درس زندگی می‌گیرند. شما با اخلاق و رفتارتان برای آنان الگوی کمال و انسانیّت باشید. با کردار و گفتارتان به آنان درس مهربانی، خیرخواهی، گذشت، انضباط، عدالتخواهی، آزادگی، فداکاری، شجاعت، وظیفه‌شناسی، کار و کوشش و هدفداری بیاموزید. و مخصوصاً به این نکته توجّه کنید که کودکان، دانا و باهوشند و به کردار شما بیش از گفتارتان توجّه دارند و به همین جهت شما مسئولیّت بسیار بزرگی برعهده دارید.

۵ ــ پرسشهای پایان هر درس برای ارزشیابی از مفاهیم و اهداف آن درس است که به طور شفاهی و

در پایان هر جلسه ارزیابی می‌شود و لزومی به دادن پاسخ کتبی به آنها نیست. سؤالات امتحانی هر ثلث بهتر است مستقیماً از متن درس طرح گردد، البته اصول ارزشیابی نیز در طرح سؤال رعایت شود.

۶ ــ در تهیهٔ این کتابها از نوشته‌ها وراهنماییهای دانشمندان بسیاری بهره بردیم و مخصوصاً از کتابهای تعلیمات دینی سابق رهنمود گرفتیم و استفاده کردیم، بدین وسیله یاریها و زحمات همه را قدر می‌نهیم و به ویژه از نویسندگان کتابهای تعلیمات دینی سابق سپاسگزاری می‌نماییم و یادآوری می‌کنیم که پروندهٔ تألیف و تکمیل این کتاب پیوسته مفتوح است و نظرات شما و اولیای گرامی دانش‌آموزان ما را، در این مهمّ، یاری خواهد کرد. از شما صمیمانه درخواست می‌کنیم که نظرها و پیشنهادهای مفید خود را به «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش» ارسال دارید.

با سپاس و تشکر فراوان ــ خدا یار و رهنمای شما

اولیای محترم دانش‌آموزان گرامی

این کتاب برای رعایت صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف به امانت در اختیار شما قرار می‌گیرد. لطفاً در نگهداری آن امانت کنید و در پایان سال تحصیلی آن را سالم به مدرسه تحویل دهید.

ای جهان‌آفرین بی‌همتا

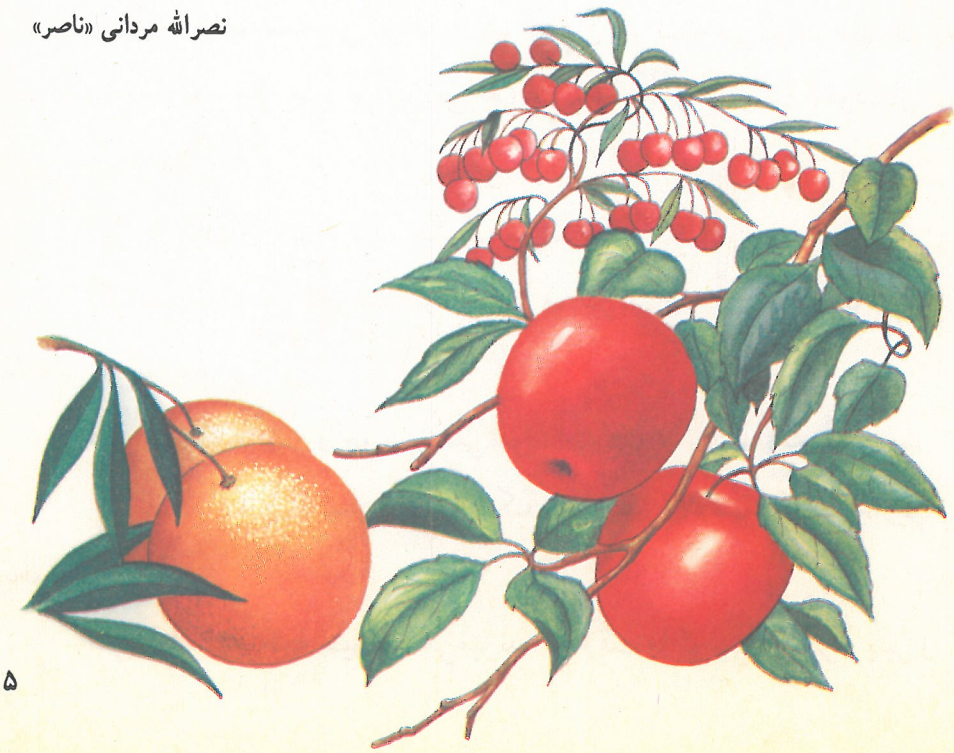
ای‌خدای‌بزرگ و هستی بخش — ای که هستی تو در جهان یکتا
دل ما شد ز نور تو روشن — ای جهان‌آفرین بی‌همتا

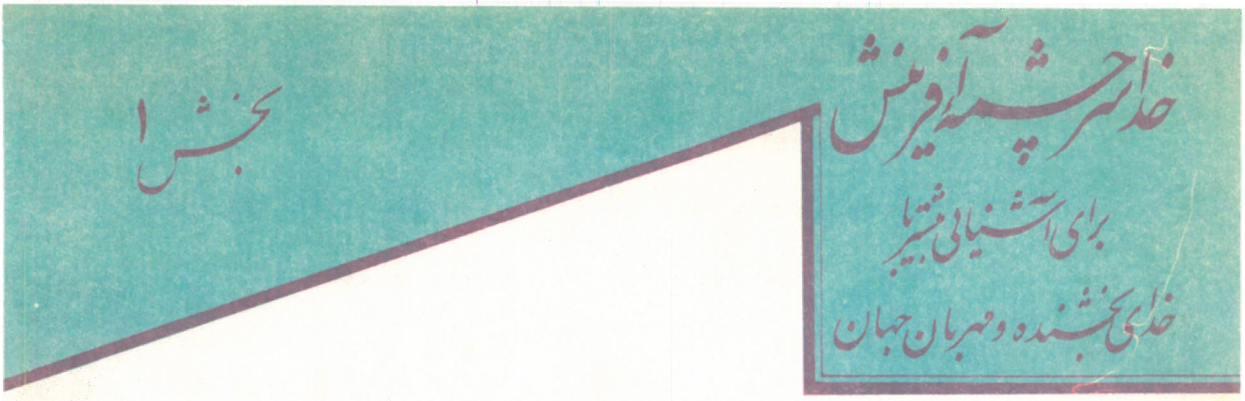
کوه و ابر و ستاره و دریا — ماهیان و پرنده‌های قشنگ
ماه و خورشید و آسمان بلند — همه گلهای خوب و رنگارنگ

آتش و باد و خاک وآب وگیاه — باغهای پر از گل و زیبا
چشمه‌های همیشه جوشنده — لاله‌های شکفته در صحرا

آفریدی تو در جهان همه را — ای‌که‌هستی‌بزرگ‌وپاک‌و رحیم
ما همه یاری از تو می‌خواهیم — ای خداوند مهربان و کریم

نصرالله مردانی «ناصر»





درس اوّل

به نام خدای بخشندهٔ مهربان

آب، نعمتِ زندگی‌ساز خدا

وقتی تشنه می‌شویم چه می‌کنیم؟

ــ آب می‌نوشیم. آری، همهٔ ما به آب احتیاج داریم.

حیوانات وقتی تشنه می‌شوند چه می‌کنند؟

ــ آب می‌نوشند. آری، حیوانات هم به آب احتیاج دارند.

آیا گیاهان هم تشنه می‌شوند؟ آری، گیاهان هم تشنه می‌شوند، آنها هم به آب احتیاج دارند، ولی مثل ما آب نمی‌خورند؛ آنها آب را با ریشهٔ خودشان از زمین می‌گیرند.

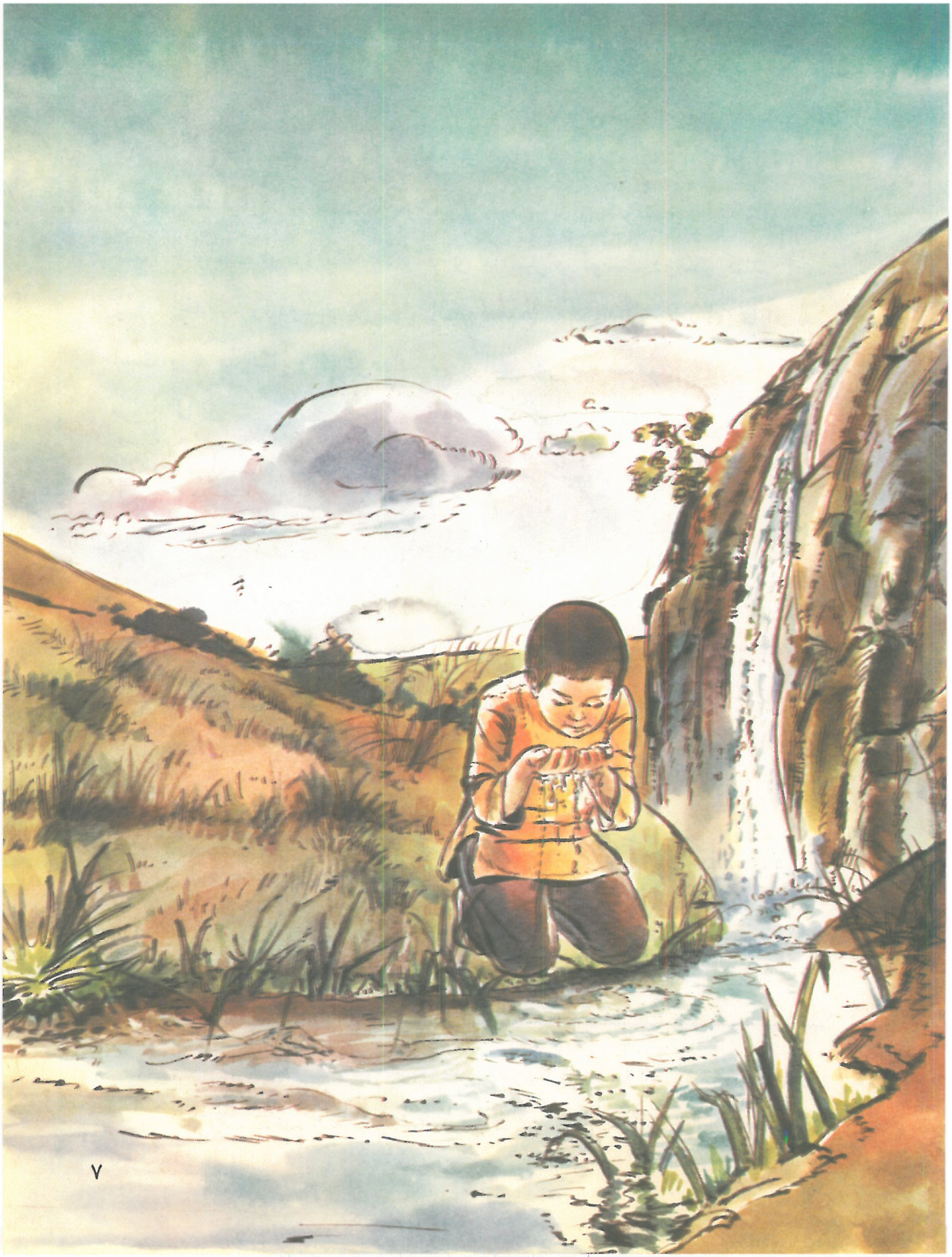
اگر به گیاهان آب نرسد، خشک می‌شوند.

اگر حیوانات آب نخورند، از تشنگی می‌میرند. اگر آب نباشد ما هم از تشنگی می‌میریم.

اگر آب نباشد گندم و جو سبز نمی‌شود؛ آن وقت ما نان نداریم، بخوریم.

اگر آب نباشد درختهای میوه خشک می‌شوند، آن وقت ما میوه نداریم، بخوریم.

اگر آب نباشد همهٔ حیوانها می‌میرند، آن وقت ما گوشت و شیر و پنیر و


Y

ماست نداریم که بخوریم.

ولی خدا خیلی مهربان است: او آبهای شیرین و گوارا را آفریده و در دسترس ما قرار داده است تا بنوشیم و خود را با آن بشوییم و با آن کشاورزی کنیم. حیوانات آن را بخورند و برای ما شیر و گوشت درست کنند.

خدا ما را دوست دارد. او آب و صدها نعمت دیگر را برای ما آفریده است و به ما عقل و هوش داده تا از آنها بهره‌مند شویم.

ما هم خدای مهربان را دوست داریم، نعمتهایش را سپاس می‌گوییم و آنها را، همان گونه که او فرمان داده، مصرف می‌کنیم، تا خدا از ما راضی باشد.



پرسش

۱ ــ اگر به گیاهان و حیوانات آب نرسد در زندگی ما چه تأثیری خواهد داشت؟

۲ ــ چه کسی آب را آفریده تا ما و حیوانات و گیاهان از آن استفاده کنیم؟

مقداری نمک را در یک لیوان آب، بریزید.
آب شور می‌شود، آیا می‌توانید آن آب را
برای رفع تشنگی بنوشید؟





راستی، اگر همهٔ آبها شور یا تلخ بودند،
چه می‌کردیم؟

آفریدگار جهان

هنگامی که پدرم آخرین لقمهٔ ناهارش را خورد، گفت: «اَلحَمدُلِلّهِ رَبِّ‌العالَمین».

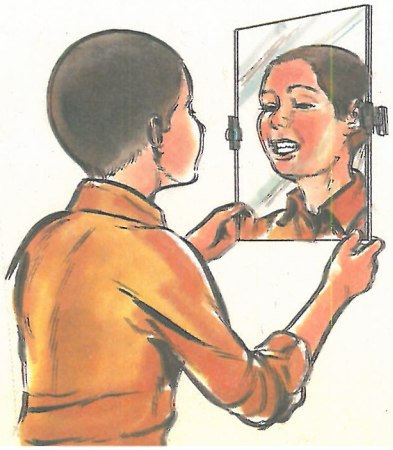
گفتم: پدر جان، «اَلحَمدُلِلّهِ رَبِّ العالَمین» یعنی چه؟ چرا شما همیشه، بعد از غذا خوردن، این جمله را می‌گویید؟

پدرم گفت: پسرم ما با این جمله خدا را ستایش می‌کنیم و از نعمتهایش تشکّر می‌نماییم؛ خدایی که همه چیز را آفریده و این همه نعمت به ما بخشیده است، وقتی ما از آنها استفاده می‌کنیم باید از صاحب نعمتها تشکّر کنیم.

احمدجان، نعمتهای خدا آن قدر زیاد است که نمی‌توانیم آنها را بشماریم. دربارهٔ همین غذا خوردن فکر کن. ببین خدا چه نعمتهایی به ما بخشیده است:

«با چشم، غذا را می‌بینیم؛ با دست، لقمه را بر می‌داریم، و در دهان می‌گذاریم. به وسیلهٔ لبها دهان را می‌بندیم؛ و با زبان لقمه را در دهان می‌چرخانیم و با دندانها می‌جویم، و سپس فرو می‌بریم.»

در آینه نگاه کن. دندانهایت را ببین. بعضی از دندانها تیزند و برای بریدن غذا به کار می‌روند؛ بعضی از دندانها برای پاره کردن غذا خوبند؛ امّا



بیشتر آنها، برای نرم کردن غذا به کار می‌روند. اگر دندان نداشتیم، چگونه غذا می‌خوردیم؟

اگر دندانها همه یک جور بودند چگونه می‌توانستیم از انواع غذاها بخوریم؟

پسرم، دربارهٔ بُزاق فکر کرده‌ای؟ آیا فایده‌های بزاق را می‌دانی؟ بزاق برای هضم غذا لازم است. به همین جهت، لقمه هر چه بیشتر جویده شود، زودتر و بهتر هضم می‌گردد. به علاوه، آب دهان لقمه را تر می‌کند تا به آسانی از گلو فرو رود.

آب دهان از سه جفت غدّهٔ کوچک ترشّح می‌شود، این غدّه‌ها را «غدّه‌های بزاقی» می‌نامند.

راستی اگر دهان ما خشک بود چه می‌کردیم؟!

آیا می‌توانستیم غذا بخوریم؟ آیا می‌توانستیم لقمه را فرو ببریم؟

آیا می‌توانستیم حرف بزنیم؟

ببین، همین بزاق دهان چه نعمت بزرگی است و غدّه‌های بزاقی چه کارهای مفید و مهمّی را انجام می‌دهند!

حالا پسرم، بگو ببینم:

چه کسی به فکر ما بوده و این نعمتها را برای ما آفریده است؟

من که به سخنان پدرم خوب گوش می‌دادم در پاسخ گفتم: معلوم است که خدا به فکر ما بوده، او از احتیاجات ما خبر داشته و هر چه را لازم داشته‌ایم آفریده است.

پدرم گفت: آفرین پسرم، همین طور است که گفتی. بزاق خود به خود به وجود نیامده است؛ لب و زبان و دندانها و انگشتها، خود به خود و بی‌حساب، پیدا نشده‌اند. همکاری و هماهنگی آنها نشان می‌دهد که قدرت دانا و توانایی آنها را آفریده است.

آن قدرت دانا و توانا «خدا» است. پسرم، وقتی انسان به نعمتهای او نگاه می‌کند، بی‌اختیار، نام زیبا و نیکویش را می‌برد و او را ستایش می‌کند و نعمتهایش را سپاس می‌گوید.

احمد جان، شکر و سپاس حقیقی این است که هم با زبان از نعمتهای خدا تشکر کنیم و هم آنها را در راه رضای او به کار بریم. مثلاً با دست خود به مردم خدمت کنیم و به ناتوانان کمک کنیم. با پای خود، به دنبال کارهای خوب برویم و با زبان خود، حرفهای پسندیده بزنیم. با چشم خود کتابهای سودمند بخوانیم. اگر مال و ثروتی داریم قسمتی را برای کمک به نیازمندان مصرف کنیم.

پرسش

۱ ــ چرا آفرینش دندانها بسیار جالب و دقیق است؟

۲ ــ توضیح دهید همکاری و هماهنگی اعضایی که ما را در غذا خوردن کمک می‌کنند چگونه است و بگویید این هماهنگی دلیل چه چیزی است؟

۳ ــ شکر و سپاس حقیقی چگونه است؟

آزمایش کنید و بیندیشید (۱):

انگشتهایتان را ببندید، مشت کنید.

حالا، فقط با همین انگشتهای بسته، با یک دست، مداد را بردارید و بنویسید...

قاشق را بردارید، غذا بخورید... آیا می‌توانید؟

اگر انگشت نداشتیم چگونه می‌توانستیم بنویسیم؟

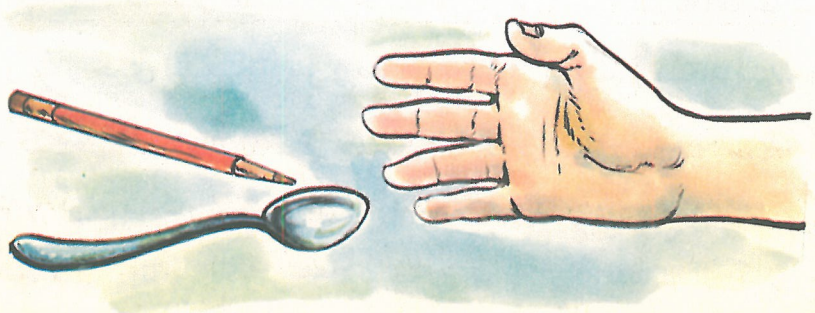
چگونه می‌توانستیم غذا بخوریم؟



اگر انگشتها به میل ما باز و بسته نمی‌شدند چه می‌کردیم؟

حالا، انگشتها را باز کنید و دیگر حرکت ندهید، با همین انگشتهای باز مداد را بردارید، نام خود را بنویسید...

قاشق را بردارید، غذا بخورید ... آیا می‌توانید؟



جهان آخرت

هنگام جایزه و پاداش

بخش ۲

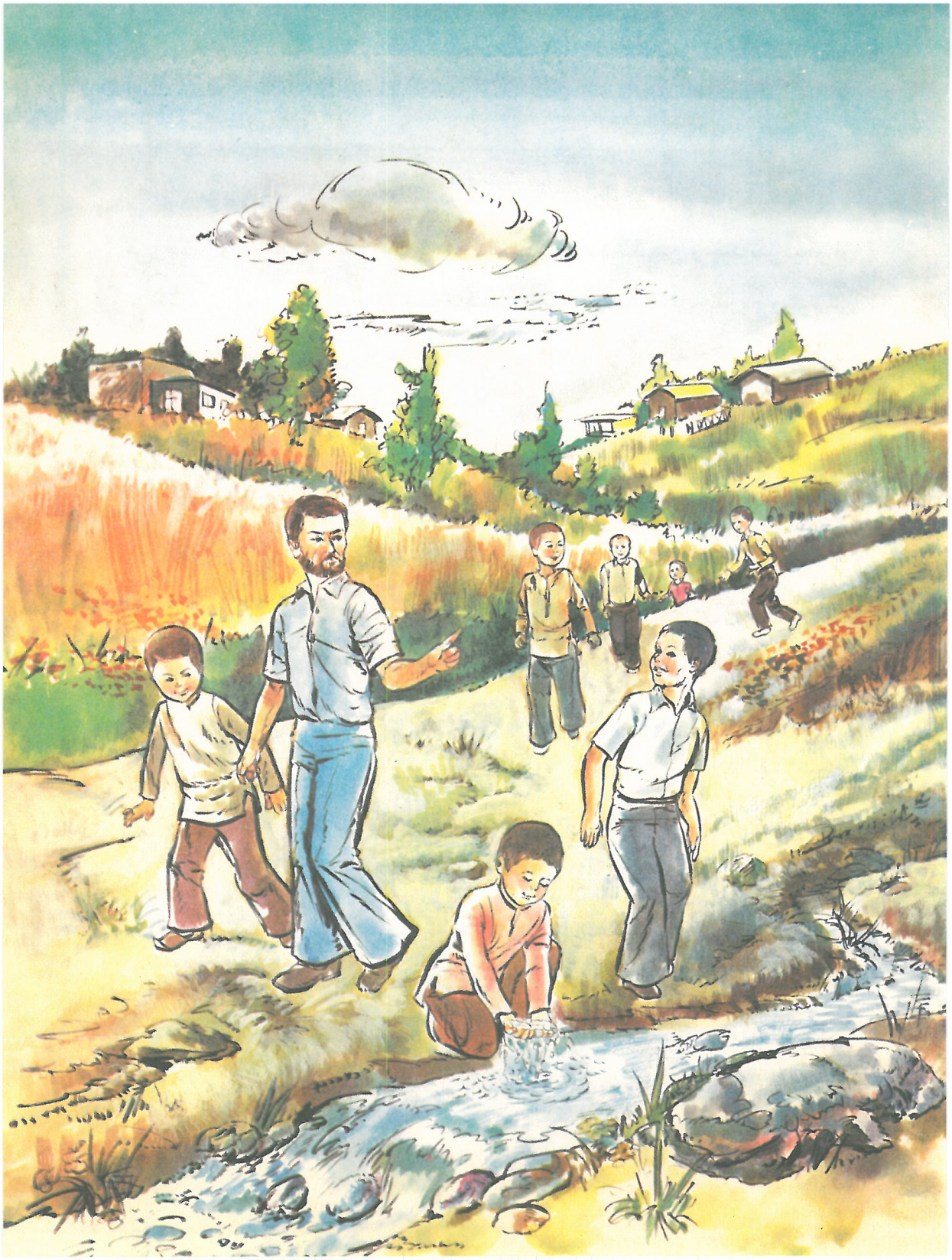
درس سوم

مربّی درس معاد می‌دهد

آن روز عصر قرار بود فاصلهٔ روستای خود را تا دهکدهٔ گلستان پیاده برویم و در تند رفتن با هم مسابقه بدهیم. همهٔ دانش‌آموزان کلاس چهارم حاضر بودند. قرار بود قبل از غروب خورشید خود را به مسجد دهکدهٔ گلستان برسانیم. مسجد دهکده، در کنار درخت چنار بلندی ساخته شده و گلدسته‌اش از روستای ما پیداست.

همه منتظر بودیم که مربّی آغاز مسابقه را اعلام کند. وقتی شروع مسابقه اعلام شد با سرعت به راه افتادیم. بعضی از بچّه‌ها می‌دویدند، بعضی می‌گفتند در ابتدای راه بهتر است آهسته برویم. خوشحال، پیش می‌رفتیم. در میان راه به جوی آبی که از دهکدهٔ گلستان سرچشمه می‌گرفت، رسیدیم. بچّه‌ها خوشحال شدند و کنار جوی نشستند تا سر و صورت خود را بشویند و آب بنوشند. مربّی با صدای بلند گفت: بچّه‌ها، اگر تشنه هستید و می‌خواهید آب بخورید، کمتر بنوشید و گرنه ممکن است به دل درد مبتلا شوید و در راه بمانید.

بچّه‌های دانا و باهوش وقتی سخن مربّی را شنیدند از کنار جوی



بلند شدند و به راه افتادند ولی بعضی دیگر گفتند: خیلی تشنه هستیم نمی‌توانیم راه برویم. بهتر است چند مُشت دیگر آب بنوشیم...

مرّبی جلوتر از همهٔ ما می‌دوید. خورشید آرام آرام از کنار دشت پایین می‌رفت. او نخستین کسی بود که وارد مسجد دهکده شد. من و چند نفر دیگر از دوستان نیز قبل از مغرب وارد مسجد شدیم. بچه‌های دیگر هم به تدریج رسیدند.

روز بعد که مربّی، برندگان مسابقه را بعد از مراسم صبحگاه معرّفی کرد، گفت:

عزیزان من، دیروز این دانش‌آموزان کوشش کردند و در مسابقه پیروز شدند. آنها امروز جایزه می‌گیرند و شما هم آنها را تشویق می‌کنید.

این جهان نیز میدان مسابقه است. همهٔ ما می‌کوشیم و با هم مسابقه می‌دهیم، مسابقهٔ ما در کارهای نیک، عبادتها، کمکها و خدمتهای ماست.

کسانی در این مسابقه پیروز می‌شوند که خدا را بهتر عبادت کنند و به بندگان خدا بیشتر سود برسانند. خدا به این افراد در جهان آخرت پاداش می‌دهد و آنها را به بهشت می‌برد.

ولی کسانی که خدا را عبادت نکنند و در کارهای خیر کوششی نکنند و کارهای زشت و نادرست انجام بدهند، در جهان آخرت از اعمال ناپسند خود شرمنده می‌شوند. آنها افسوس می‌خورند و به جهنّم می‌روند و سزایِ کامل کار بدشان را می‌بینند.

مردم نیکوکار و مردم بدکردار نزد خدا یکسان و مساوی نیستند. خدا به هر کس مطابق کار و کردارش جزا می‌دهد.

اگر خدا به نیکوکاران پاداش نیک و دائم نمی‌داد، مردم به چه امیدی نیکی می‌کردند؟ و اگر خدا زشت‌کاران را کیفر نمی‌کرد، چه تفاوتی میان آنها و نیکوکاران بود؟



پرسش

۱ ــ این جهان میدان مسابقه است، یعنی چه؟ مسابقه ما در چه کارهایی است؟

۲ ــ چه کسانی در مسابقه این جهان پیروز می‌شوند؟

۳ ــ چه کسانی در جهان آخرت، شرمنده می‌شوند و افسوس می‌خورند؟

۴ ــ آیا مردم نیکوکار و مردم بدکردار نزد خدا یکسان و مساوی هستند؟ خدا جزای هر کسی را مطابق چه چیزی به او می‌دهد؟



عمر جاوید

بهار شد گلستان — به رفتن زمستان
شکوفه بار دیگر — به شاخه‌ها درخشید
بنفشه‌های خودرو — دوباره بر لب جو
کنار هم نشستند — به زیر سایهٔ بید
خدای خالق گُل — به گِل دوباره‌جان‌داد
زمین مرده را باز — حیات تازه بخشید
که مرگ ما خزانی — برای پیکر ماست
قیامت است ما را — بهار و عمر جاوید
سزای هر گُنَه کار — جهنم است و ظلمت
جزای هر نکو کار — بهشت و نور امید

شعر از: حبیب‌الله چایچیان
(حسان)

درس چهارم

حضرت موسیٰ، پیامبر خدا

خدا حضرت موسیٰ علیه‌السّلام را برای پیامبری برگزید. به او فرمان داد تا با همکاری برادرش، هارون، نزد فرعون ستمگر برود و او را از عذاب سخت پروردگار بیم دهد.

خدا به حضرت موسیٰ فرمان داد که ابتدا با گفتاری نرم او را به سوی خدای یگانه دعوت کند.

حضرت موسیٰ و برادرش هارون به سوی قصر فرعون راه افتادند. پس از مدّتی انتظار، سرانجام نزد فرعون رفتند و همان گونه که خدا فرمان داده بود، با ملایمت و نرمی سخن خود را شروع کردند و گفتند: ای فرعون! ما از سوی پروردگار جهان و جهانیان پیام آورده‌ایم تا مردم را از ظلم و ستم نجات دهیم و آنها را به سوی خدا و پرستش او هدایت کنیم.

از تو می‌خواهیم که از ظلم و سرکشی دست برداری و به مردم ستم نکنی.

وقتی فرعون سخنان موسیٰ را شنید بسیار ناراحت شد و برای اینکه حضرت موسیٰ را ساکت کند، گفت: ای موسیٰ پروردگار شما کیست که از

سوی او پیام آورده‌اید؟

موسیٰ، با یقین و آرامش، گفت: پروردگار ما همان خدای بزرگی است که جهان و جهانیان را با نظم و شکوه آفریده است.

فرعون، با این که سخنان موسیٰ را می‌فهمید، خود را به نادانی زد و گفت: مگر جز من هم پروردگاری هست؟ مگر زندگی و مرگ شما در دست من نیست؟ مگر نمی‌بینید که کشور بزرگ مصر به فرمان من اداره می‌شود؟ و این همه نهرهای جاری مال من است؟

ای موسیٰ، اگر جز من پروردگار دیگری را انتخاب کنی و از شخص دیگری غیر از من اطاعت کنی تو را به زندان می‌اندازم.

حضرت موسیٰ بدون هیچ ترسی به فرعون گفت: پروردگار من پروردگار همهٔ جهان است، آفرینندهٔ زمین و آسمان است. او مرا پیام‌آور خویش قرار داده تا پیامش را به مردم برسانم و آنها را از ظلم و ستم نجات بدهم.

فرعون، که در مقابل آرامش و ایمان موسیٰ خود را خوار و کوچک می‌دید، گفت: اگر راست می‌گویی نشانه‌ای از سوی پروردگارت نشان بده.

حضرت موسیٰ دستش را در گریبان خود فرو برد و فوراً بیرون آورد. دستش چون ستارهٔ زیبا و روشنی می‌درخشید. آن گاه چوبدستی خود را به سوی فرعون انداخت. چوبدستی موسیٰ به فرمان خدا، مار خشمگینی شد. فرعون با مشاهدهٔ آن مار خشمگین یک باره از جای پرید و فریاد کشید.

موسیٰ خم شد و مار را گرفت. مار، دوباره عصا شد.

فرعون که رنگ از رویش پریده بود و می‌لرزید به کسانی که در اطرافش

بودند گفت: آیا دیدید که موسیٰ چه ساحر[1] توانایی است؟

این دو نفر می‌خواهند با سِحر خود شما را فریب دهند و از شهر و دیارتان آواره کنند.



پرسش

۱ ــ هنگامی که خدا حضرت موسیٰ را به پیامبری برگزید چه فرمانی به او داد؟

۲ ــ وقتی فرعون پرسید «ای موسیٰ پروردگار شما کیست؟» حضرت موسیٰ چه پاسخ داد؟

۳ ــ هنگامی که فرعون از حضرت موسیٰ نشانه‌ای خواست، حضرت موسیٰ چه نشانه‌هایی را نشان داد؟

۴ ــ آیا فرعون پس از دیدن آن نشانه‌ها تسلیم شد؟ به اطرافیانش چه گفت؟

---

۱ ــ ساحر: جادوگر

عصای موسیٰ، معجزهٔ پیامبری

فرعون تصمیم گرفت با موسیٰ مبارزه کند. دستور داد ساحران شهر را، که همه مشهور و توانا بودند، جمع کردند.

فرعون به ساحران گفته بود که اگر پیروز شدید پاداش فراوان به شما می‌بخشم و شما را از نزدیکان خویش قرار می‌دهم.

روز موعود فرا رسید. همهٔ مردم شهر جمع شدند تا ببینند چه کسی پیروز می‌شود. ساحران با وسایل خود وارد میدان شدند. حضرت موسیٰ هم با عصای خویش به میدان آمد. جمعیّت بسیار زیادی در اطراف میدان به انتظار ایستاده بودند. فرعون هم در جایگاه مخصوص نشسته بود. ساحران به حضرت موسیٰ گفتند: ای موسیٰ، تو کار خود را شروع می‌کنی یا ما آغاز کنیم؟

حضرت موسیٰ فرمود شما آغاز کنید.

همه نگاه کردند. فرعون هم با خشنودی نگاه کرد.

ساحران طنابها و چوبهای خود را روی زمین انداختند و کارهایی را انجام دادند. مردم فکر کردند میدان پر از مار و اژدها شده و آنها بر روی زمین می‌خزند.

ولی حقیقت پنهان نمی‌مانَد و به امر خدا سحر باطل می‌شود و همه آن را تشخیص می‌دهند.

در این میان از سوی خدا به حضرت موسیٰ فرمان رسید که ای موسیٰ از سحر ساحران نترس و عصای خود را بینداز تا جادوی جادوگران را ببلعد و زمین را پاک کند. آنها مردم را با کار خود فریب داده‌اند و فریبکار هرگز



پیروز نمی‌شود.

موسیٰ عصایش را انداخت. مردم فریاد کشیدند و فرار کردند. بعضی چشمهایشان را بستند تا آن مار بزرگ و خشمگین را نبینند که به کجا می‌رود و چه می‌کند.

مار خشمگین طنابها و چوبهایی را که ساحران بر روی زمین انداخته بودند، به سرعت بلعید. آنگاه حضرت موسیٰ دستش را جلو برد. آن را که عصا شده بود گرفت و به آن تکیه داد.

ساحران قبل از همه فهمیدند که کار موسیٰ سحر نیست بلکه معجزه است و نشانه‌ای از قدرت پروردگار بزرگ است. فوراً به موسیٰ ایمان آوردند و به سجده افتادند و خدا را برای نعمت هدایت و راهنماییش سپاس گفتند و اعلام داشتند:

ما به پروردگار جهان و جهانیان ایمان آوردیم.

ما به پروردگار موسیٰ و هارون ایمان آوردیم.

فرعون از شنیدن سخن ایشان برآشفت و با خشم و فریاد گفت چگونه به موسیٰ ایمان آورده‌اید؟ من که به شما اجازه چنین کاری را نداده‌ام. هم اکنون شما را به دار خواهم زد. ساحران گفتند: ما حق را یافتیم و فهمیدیم که موسیٰ و هارون پیام‌آوران خدای جهان آفرینند. هر چه می‌خواهی بکن. ما از مرگ نمی‌ترسیم. تو فقط می‌توانی به زندگی دنیای ما پایان دهی ولی نسبت به زندگی آخرت ما قدرتی نداری. ما پس از مرگ به جهان آخرت می‌رویم و از نعمتها و بخشندگیهای پروردگارمان بهره‌مند خواهیم شد.



پرسش

۱ ــ فرعون برای مبارزهٔ با حضرت موسیٰ چه کرد؟

۲ ــ موسیٰ به فرمان خدا برای اثبات راستگویی خود چه کاری انجام داد؟

۳ ــ چرا ساحران پس از مشاهدهٔ عصای حضرت موسیٰ و کاری که انجام داد، ایمان آوردند؟

۴ ــ ساحران در مقابل تهدید فرعون چه کردند؟

مژدهٔ پیامبری حضرت محمّد

حضرت محمّد، تقریباً دوازده‌ساله بود که همراه عمویش ابوطالب، با کاروان تجارتی قریش به شهر شام سفر کرد. این سفر برای کودک دوازده‌ساله‌ای مانند محمّد سخت و دشوار بود. ولی تماشای منظره‌های طبیعی، کوهها و دشتها، از خستگی و سختی راه کم می‌کرد و سفر را برای او لذّت‌بخش می‌کرد.

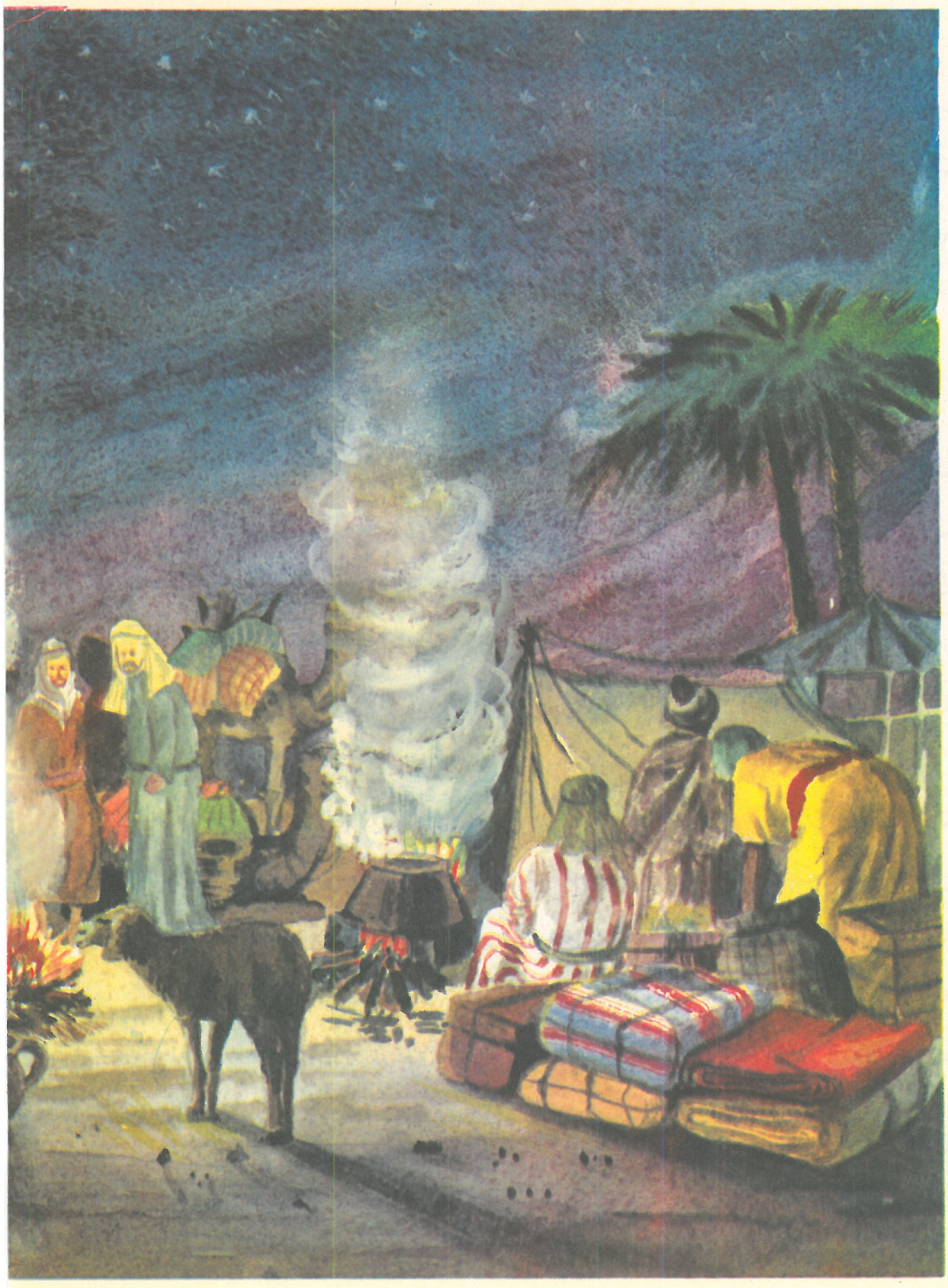
کاروان به نزدیک شهر «بُصریٰ» رسید.

در آنجا عبادتگاهی بود که از زمانهای قدیم ساخته شده بود. همیشه یکی از دانشمندان مسیحی در آن‌جا به عبادت مشغول بود و در انتظار دیدنِ «آخرین پیغمبر خدا» به سر می‌برد. چون حضرت عیسی و پیامبران گذشته از آمدن «آخرین پیغمبر خدا» و نشانه‌های مخصوصش خبر داده بودند.

به آن عبادتگاه «دَیر» می‌گفتند. در آن زمان «بُحَیرا» درآن «دَیر» زندگی می‌کرد و به عبادت مشغول بود.

هنگامی که کاروان قریش از دور نمایان شد، بُحَیرا از دَیر بیرون آمد و چیزهای شگفت‌آوری را مشاهده کرد. کاروان برای استراحت نزدیک دَیر توقف کرد. کاروانیان آتش روشن کردند و به تهیّهٔ غذا مشغول شدند. بحیرا، با دقّت فراوان، به افراد کاروان نگاه می‌کرد. دوباره چیزهای شگفت‌آوری توجّه او را کاملاً جلب کرد. برخلاف همیشه که به کاروانها اعتنا نداشت، این مرتبه کاروانیان را به مهمانی دعوت کرد.

وقتی کاروانیان وارد دیر می‌شدند بحیرا به آنان خوش آمد می‌گفت، و با





... بُحَیرا، با دقّت فراوان، به افراد کاروان نگاه می کرد.

دقّت، در چهرهٔ مهمانها نگاه می‌کرد. گویا به دنبال گمشده‌ای می‌گشت.

ناگهان با صدای بلند گفت: پسرجان، جلوتر بیا تا تو را بهتر ببینم.

پسر خردسالی توجّهش را جلب کرده بود. او را نگه داشت، خم شد، دست روی شانه‌هایش گذاشت و مدّتی از نزدیک به چهرهٔ او نگاه کرد.

نامش را پرسید، گفتند: محمّد.

مدّتی ساکت ایستاد و خیره خیره به «محمّد» نگاه کرد، سپس با احترام در مقابل محمّد نشست. دستش را گرفت و سؤالاتی کرد. او خوب تحقیق و کنجکاوی کرد. با عمویش ابوطالب هم صحبت کرد و از دیگران هم چیزهایی پرسید.

بحیرا گمشده‌اش را پیدا کرده بود. او با خوشحالی به ابوطالب رو کرد و گفت: «این کودک آیندهٔ درخشانی دارد. او به مقام بزرگی خواهد رسید. این کودک همان پیغمبری است که پیامبران گذشته آمدنش را مژده داده‌اند. من درکتابهای دینی نشانه‌هایش را خوانده‌ام. او آخرین پیغمبر خداست. به زودی به پیغمبری مبعوث می‌شود و دینش در جهان منتشر می‌شود. قدر این کودک را بدان و در حفظ و نگهداریش کوشش کن.»

کاروانیان، بعد از استراحت، بارها را بستند و حرکت کردند. بحیرا بیرون دَیر ایستاده بود و اشک می‌ریخت. کاروان کم‌کم دور شد، سپس او به اتاق خود بازگشت و به فکر فرو رفت.

پرسش

۱ ــ ابوطالب با محمّد چه نسبتی داشت؟

۲ ــ بحیرا منتظر بود چه کسی را ببیند؟ از کجا او را می‌شناخت؟

۳ ــ بحیرا دربارهٔ آیندهٔ حضرت محمّد به ابوطالب چه گفت و به او چه سفارشی کرد؟ خلاصهٔ آن را بیان کنید.

بِعثَتِ پیامبر گرامی اسلام

حضرت محمّد، پیش از پیامبری، گاهی به غار حراء می‌رفت و در آن مکان آرام و خلوت به عبادت و تفکّر می‌پرداخت. شبها، در کنار غار، روی تخته سنگی می‌ایستاد و مدّتی به آسمان صاف مکّه و ستارگان زیبایش نگاه می‌کرد و عظمت و شکوه جهان آفرینش را تماشا می‌کرد، سپس به غار می‌رفت و با آفرینندهٔ این جهان بزرگ راز و نیاز می‌کرد و می‌گفت: پروردگارا! این جهان بزرگ و خورشید و ستارگان زیبا را بیهوده نیافریده‌ای. از آفرینش آنها منظور و هدفی داری.

سحرگاه زیبایی بود. حضرت محمّد، در آن غار، به عبادت مشغول بود که شکوهِ پیامبری را با تمام وجودش مشاهده کرد. فرشتهٔ خدا، جبرئیل، به حضورش آمده بود و با آهنگ آسمانی به او می‌گفت:

«ای محمّد! اینک تو پیغمبر خدا هستی. خدا فرمان داده است که مردم را از شِرک و بت‌پرستی و ذلّت نجات دهی و آنها را به آزادی و عظمتِ یگانه‌پرستی و توحید دعوت کنی.

ای محمّد! اکنون پیامبر خدا هستی. مردم را به «دین اسلام» دعوت کن... اِقْرَأ بِاسْمِ رَبِّکَ الّذی خَلَقَ...».

حضرت محمّد جبرئیل را مشاهده کرد و پیامی را که از سوی خدا آورده بود با تمام وجودش شنید.

سپس، با دلی آگاه از کوه حراء پایین آمد و به سوی منزل حرکت کرد. همسر مهربانش، خدیجه، در را باز کرد و از دیدن چهرهٔ نورانی او شاد شد.

حضرت محمّد، که دیگر پیامبر خدا شده بود، ماجرا را برای همسرش تعریف کرد و سپس فرمود: خداوند چه وظیفهٔ سنگینی بر عهدهٔ من گذارد!

خدیجه، به همسر امین و راستگویش گفت: من، پیش از این هم، می‌دانستم که تو پیامبر خدا خواهی شد و انتظار چنین روز پرشکوهی را می‌کشیدم. حضرت عیسی به پیامبری تو مژده داده است.

آری، خدا مسئولیّت بسیار سنگینی بر عهده‌ات گذارده است. اکنون، من به یگانگی خدا شهادت می‌دهم و به پیامبری تو ایمان می‌آورم و مسلمان می‌شوم و در همه حال، پشتیبان و یاور تو هستم.

حضرت علی هم، که نوجوان فهمیده و باهوشی بود، به پیامبری حضرت محمّد ایمان آورد و نخستین مردی بود که مسلمان شد.

تا مدّتی عدّهٔ مسلمانان بیش از سه نفر نبود. ولی همین سه نفر با همّتِ عالی خود به مبارزه با بت‌پرستی و بی‌دینی پرداختند. در آغاز، فقط، این سه نفر به نماز می‌ایستادند. و در مقابل چشمان حیرت‌زدهٔ مردم با خدای یگانه گفتگو و راز و نیاز می‌کردند.

مردی می‌گوید: روزی در مسجدالحرام نشسته بودم. دیدم مرد خوش سیمایی وارد مسجد شد. نگاهی به سوی آسمان انداخت و ایستاد. نوجوانی در طرف راستش ایستاد و بعد زنی آمد و پشتِ سر آنها ایستاد.

آنها مدّتی ایستادند وکلماتی گفتند، سپس خم شدند، دوباره ایستادند، و بعد سر روی زمین گذاشتند. تعجّب کردم، به شخصی که پهلویم نشسته بود، گفتم: عبّاس، این سه نفر کیستند؟ چه می‌کنند؟

عبّاس گفت: آن مرد که جلو ایستاده است «محمّد» پسرِ برادرِ من است، آن زن «خدیجه» همسر باوفای اوست، آن نوجوان «علی» پسرِ برادرِ دیگرم می‌باشد. محمّد می‌گوید که خدا او را برای پیامبری برگزیده است. آن زن و آن نوجوان هم به او ایمان آورده‌اند و دین او را پذیرفته‌اند. به غیر از این سه نفر کسی همدین آنها نیست.

محمّد می‌گوید «دین اسلام» برای همهٔ مردم جهان است و به زودی عدّهٔ بسیاری این دین را می‌پذیرند و مسلمان می‌شوند.

* * *

پیغمبر گرامی ما، روز بیست‌وهفتم ماه «رجب» به پیغمبری برگزیده شد. این روز را روز «مبعث» می‌گویند و ما آن را جشن می‌گیریم پیغمبر گرامی ما، در آن وقت، چهل سال داشت.

پرسش

۱ ــ پیامبر گرامی ما، پیش از پیامبری، برای عبادت و تفکّر به کجا می‌رفت؟

۲ ــ نام فرشته‌ای که برای حضرت محمّد پیام آورد، چه بود؟ پیامی که برای او آورد، چه بود؟

۳ ــ نخستین زنی که مسلمان شد که بود؟ نخستین مرد که بود؟

۴ ــ پیامبر گرامی، در چه سنّی از طرف خدا به پیغمبری برگزیده شد؟

۵ ــ روز مبعث چه روزی است؟

دعوت به اسلام

فریادی برخاست. مردی در کنار کوه ایستاده بود و مردم را صدا می‌زد: ای مردم بیایید برای شما پیامی دارم. مردم به سوی او دویدند. دورش جمع شدند. او برای این که صدایش به مردم برسد و همه او را ببینند از تخته سنگ بزرگی بالا رفت و روی آن ایستاد. نگاهی به مردم کرد و گفت: ای مردم، ای همشهریان و خویشان من، شما مرا به خوبی می‌شناسید و به من اعتماد دارید. آیا این طور نیست؟ همه گفتند:

بله همین طور است. ای محمّد، ما تو را امین و راستگو می‌دانیم.

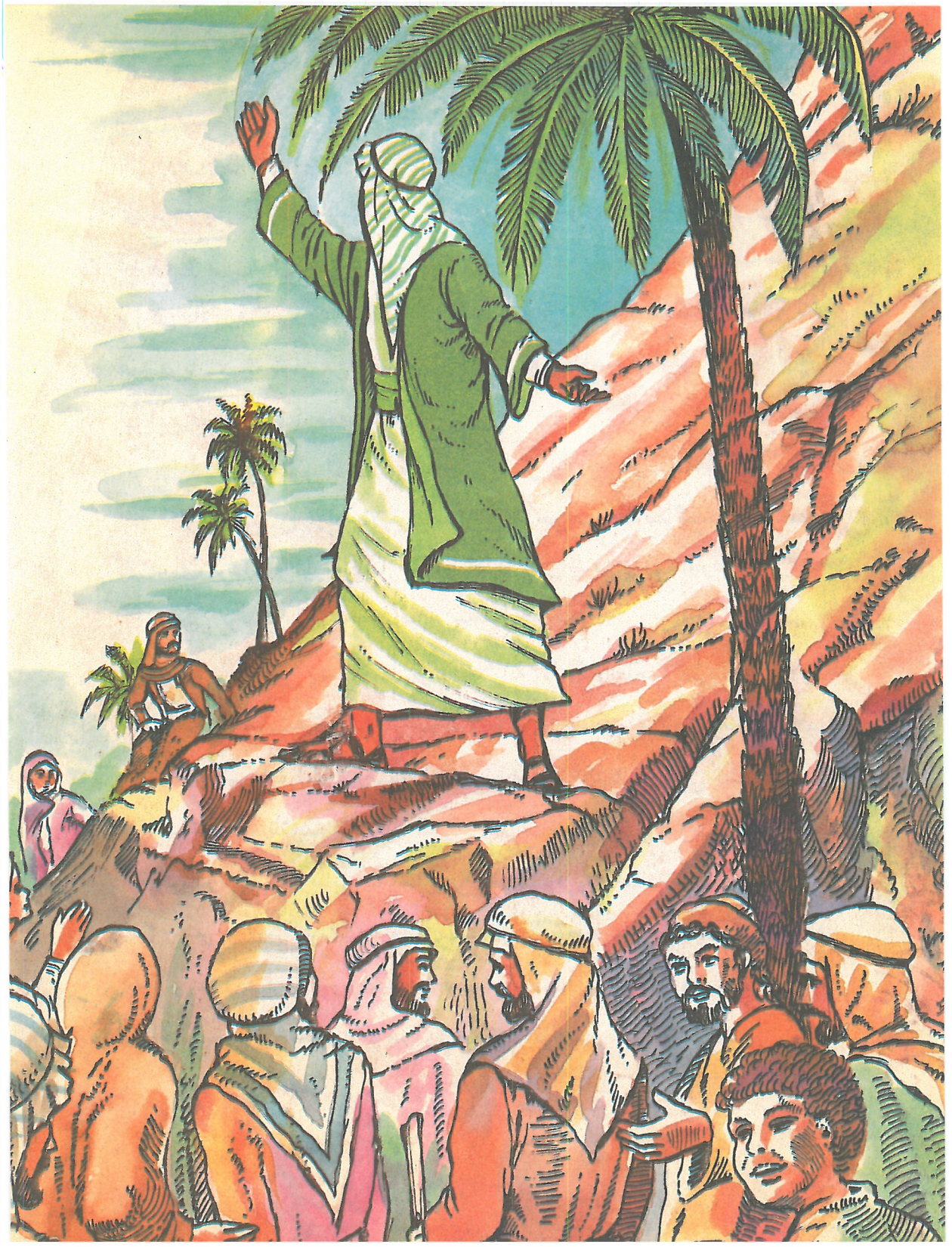
او دستش را آرام بالا برد و از مردم خواست که ساکت باشند. سپس گفت: ای مردم، من از طرف خدای یگانه برای شما پیامی آورده‌ام.

یکی پرسید: ای محمّد امین، پیامت چیست؟

او با صدایی رسا گفت: قولوا «لا اله الا الله» تُفلحوا یعنی بگویید «جز خدا معبودی نیست» تا رستگار شوید و با بیان روشنتر یعنی بت‌پرستی نکنید، برای خدا شریک نگیرید، ستمکاران را اطاعت نکنید، به کسی ستم نکنید و مخالف ستمگر باشید. جز خدا کسی را نپرستید تا در دنیا سربلند باشید و در آخرت، در بهشت زیبایی که خدا برای شما آفریده است، زندگی کنید.

سر و صدا بلند شد. بعضی نگذاشتند «محمّد امین» به سخنانش ادامه دهد. بعضی به فکر فرو رفتند و بعضی دیگر، که از اشراف و ستمگران مکّه بودند، خشمگین شدند و پیامبر را مسخره کردند و پراکنده شدند.

یک روز جمعی از بزرگان مکّه به خانهٔ ابوطالب، عموی پیامبر، رفتند.



ابوطالب بزرگ شهر و قبیله بود. او پیرمرد بود و همه به او احترام می‌گذاشتند.

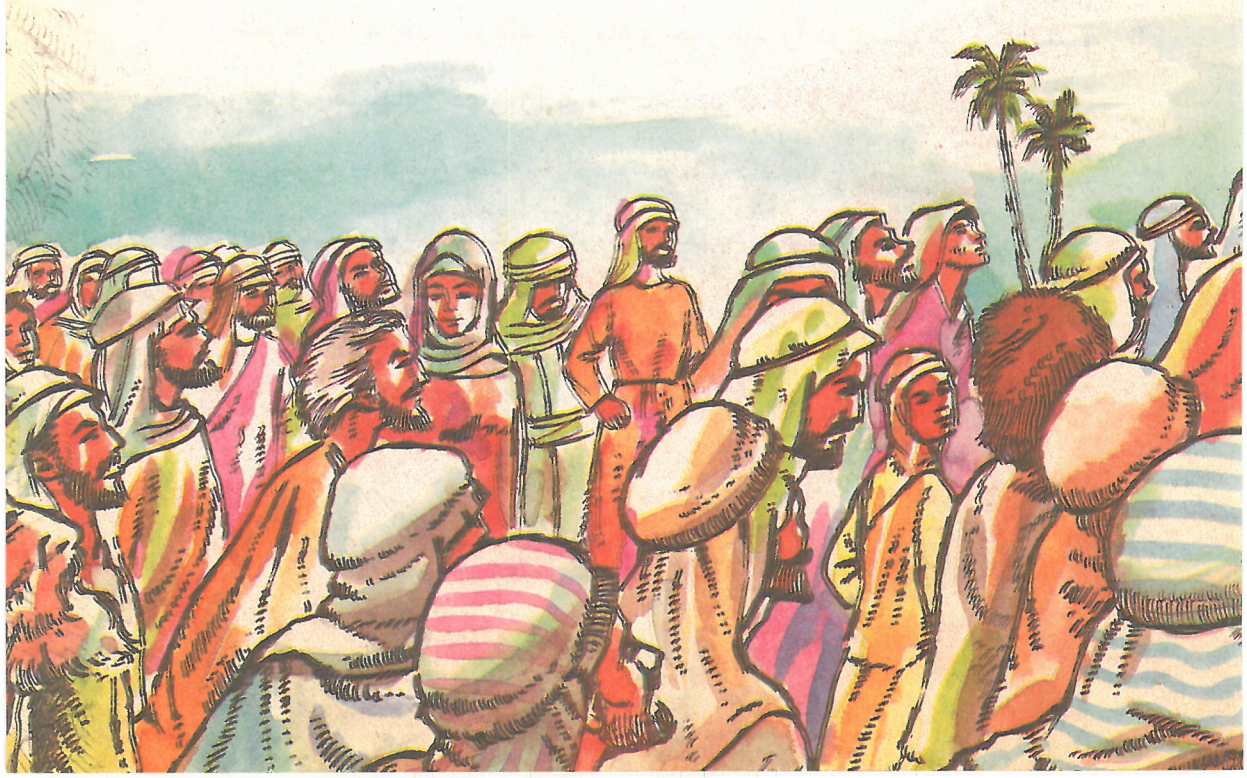
آنها به ابوطالب گفتند: می‌دانی برادرزاده‌ات چه می‌گوید؟

«محمّد می‌گوید بتها را نپرستید و به خدای یگانه ایمان آورید». محمّد چه حرفهای عجیبی می‌زند!

ای ابوطالب تو باید جلوی محمّد را بگیری که دیگر از این حرفها نزند وگرنه ممکن است او را به‌قتل برسانند.

یکی از آنها گفت: محمّد چه می‌خواهد؟ آیا همسر و خانه و زندگی می‌خواهد؟ هرچه می‌خواهد به او می‌دهیم فقط به این شرط که دیگر از این حرفها نزند و خود را رسول الله نداند.

آنها به ابوطالب گفتند که با محمّد صحبت کن و او را از این حرفها بازدار.



ابوطالب حضرت محمّد را به خانهٔ خود دعوت کرد. به او گفت: ای فرزندِ برادر، می‌دانی که بزرگان شهر دیروز برای چه به منزل من آمده بودند و چه می‌گفتند؟ مگر به آنها چه گفته‌ای؟

محمّد که عموی خود را خیلی دوست می‌داشت، گفت: عموجان، خدا مرا برای پیامبری برگزیده است تا مردم را به «یگانه‌پرستی» دعوت کنم و آنها را از بت‌پرستی و ستمگری باز دارم.

ابوطالب که به سخنان محمّد خوب گوش می‌کرد و در دل به او ایمان داشت آهسته، گفت: پسرم، می‌دانی از من چه می‌خواستند؟ می‌خواستند که تو را از این حرفها باز دارم. محمّد بلافاصله گفت: عموجان، من هرگز نمی‌توانم از فرمان خدا سرپیچی کنم. فرمان خدا را انجام خواهم داد و مردم را به یگانه‌پرستی و توحید دعوت خواهم کرد.

عموجان، به خدا سوگند اگر ماه و خورشید را در دست من بگذارند و همهٔ ثروتها و زیباییهای جهان را به من ببخشند که از فرمان خدا سرپیچی کنم هرگز نمی‌پذیرم و فرمان خدا را انجام خواهم داد.

ابوطالب در پایان گفت هر طور که خدا به تو فرمان داده اقدام کن که من از تو پشتیبانی خواهم کرد.

پرسش

۱ ــ «قولوا لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ تُفلِحوا» یعنی چه؟ علاوه بر معنای کوتاه، در چند جمله آن را به طور مفصّل هم شرح دهید.

۲ ــ بزرگان مکه چه پیشنهادی به ابوطالب کردند؟

۳ ــ حضرت محمّد در جواب عمویش چه گفت؟

حضرت فاطمه
بانوی نمونهٔ اسلام

حضرت فاطمه در سال پنجم بعثت به دنیا آمد. پدرش حضرت محمّد و مادرش خدیجه بود. (خدیجه نخستین زنی بود که مسلمان شد و به خدا و پیغمبرش، به راستی، ایمان آورد. او زنی با وفا و ثروتمند بود و همهٔ ثروتش را در راه پیشرفت اسلام مصرف کرد.)

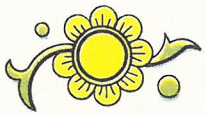
حضرت محمّد، دخترش فاطمه را بسیار دوست داشت و درباره‌اش می‌فرمود: «فاطمه پارهٔ تن من است. هرکس او را اذیّت کند مرا اذیّت کرده و هرکس او را خشنود کند مرا خشنود کرده است.»

حضرت فاطمه در آغاز نوجوانی با حضرت علی ازدواج کرد. او بانوی نمونهٔ اسلام بود. او برای شوهرش بهترین همسر و برای فرزندانش بهترین مادر بود. کارهای خانه را انجام می‌داد و در نگهداری و آماده کردن وسایل زندگی زحمت می‌کشید. او زندگی ساده و پاکیزه‌ای داشت و به لباس گرانبها اهمّیّت نمی‌داد. او ارزش انسان را در پرهیزگاری، دانش، پاکدامنی و خدمت به مردم می‌دانست و خود نیز در این صفتها سرمشق بود. حضرت علی دربارهٔ رفتار خود و حضرت فاطمه می‌فرمود: به خدا سوگند، در تمام دوران زندگی، کاری نکردم که فاطمه ناراحت و خشمگین شود. فاطمه هم، هیچ‌وقت، مرا ناراحت و خشمناک نکرد.

حضرت فاطمه دو پسر به نام «حسن» و «حسین» و دو دختر به نام «زینب» و «امّ کلثوم» داشت.

نسل پیامبر از فرزندان فاطمه به وجود آمد. یازده امام گرامی ما از نسل حضرت فاطمه هستند. حضرت فاطمه فرزندانش را بسیار دوست داشت. آنها را با اخلاق و آداب اسلامی تربیت کرد و بهترین فرزندان را پرورش داد.

فاطمه، که درود خدا بر او باد، در سوم ماه جمادی‌الثّانیه در سنّ هجده سالگی از دنیا رفت. بدنش را در شهر مدینه به خاک سپردند[1]؛ امّا جای قبرش معلوم نیست. نام دیگر حضرت فاطمه «زهرا» است.



گردنبند با برکت

پیرمردی، رنگ پریده و گردآلود، وارد مسجد شد. جامه‌ای پاره و کهنه بر تن داشت. خدمت رسول خدا رسید و با سه جملهٔ کوتاه حالش را بیان کرد:

یا رَسولَ الله، گرسنه‌ام غذایم بده. برهنه‌ام لباسم بده. بینوایم کمکم کن.

حضرت محمّد فرمود: چیزی در دست ندارم. به خانهٔ دخترم برو؛ او به تو کمک خواهد کرد.

خانهٔ حضرت فاطمه نزدیک بود. یکی از اصحاب، پیرمرد را تا خانهٔ دختر پیامبر راهنمایی کرد. پیرمرد در زد.

---

۱ ــ ذکر تاریخ ولادت و وفات معصومین (ع) و نیز محل ولادت و دفن آنها در کتاب تنها جهت افزایش اطلاعات عمومی دانش‌آموزان است و حفظ آنها الزامی نیست.

ــ کیستی؟

ــ شخصی گرسنه، برهنه و بینوایم به من رحم کنید؛ خدا به شما رحم کند.

حضرت فاطمه گردنبندی را که یکی از خویشانش به او بخشیده بود از گردن باز کرد و به او داد و فرمود این گردنبند را بفروش و خرج کن. امیدوارم در آینده بی‌نیاز شوی.

پیرمرد خوشحال برگشت. رسول خدا هنوز در مسجد بود. پیرمرد گردنبند را نشان داد و گفت: یا رسول‌الله، دخترت فاطمه گردنبندش را به من بخشید که بفروشم.

یکی از دوستان پیغمبر، به نام «عمّار»، سخن پیرمرد را شنید. از او پرسید: گردنبند را چند می‌فروشی؟

پیرمرد گفت: به غذایی که سیرم کند و پارچه‌ای که تنم را بپوشاند و پولی که مرا به منزل برساند.

عمّار گفت: گردنبند را از تو خریدم:

به غذایی از نان و گوشت،

و لباسی از پارچه‌های یمن،

و شتری که تو را به منزل برساند،

به‌علاوهٔ هشت سکّهٔ طلا و دویست سکّهٔ نقره.

عمّار پیرمرد را به خانه برد و قیمت گردنبند را پرداخت.

پیرمرد غذا را خورد، لباس را پوشید و سیر و خوشحال راه افتاد.

سپس عمّار گردنبند را معطّر کرد و در پارچه‌ای پیچید و به غلام داد و

گفت: پیش رسول خدا برو. من، تو و این گردنبند را به رسول خدا بخشیدم.

غلام خدمت پیامبر رسید و پیغام عمّار را رسانید. حضرت رسول نگاهی به گردنبند کرد و فرمود: من هم گردنبند و تو را به دخترم بخشیدم.

غلام خدمت حضرت فاطمه رسید. سخن رسول خدا را به او گفت و گردنبند را تقدیم کرد. حضرت فاطمه تشکّر کرد و گفت: من هم تو را در راه خدا آزاد کردم.

آن مرد (غلام) خوشحال شد و با شادی و تعجّب گفت چه گردنبند با برکتی!

گرسنه‌ای را سیر کرد و برهنه‌ای را پوشانید،
بینوایی را نوا بخشید و پیاده‌ای را سوار کرد،
بنده‌ای را آزاد کرد و در آخر نزد صاحبش بازگشت.

پرسش

۱ ــ حضرت فاطمه چگونه زنی بود؟
۲ ــ حضرت محمّد، دربارهٔ دختر گرامیش فاطمه، چه فرموده است؟
۳ ــ حضرت علی، دربارهٔ رفتار خود و حضرت فاطمه، چه می‌فرمود؟
۴ ــ چرا گردنبندی که حضرت فاطمه به آن پیرمرد بخشیده بود با برکت بود؟

درس دهم

آیا شما هم او را دوست دارید؟

طاهره دختر خوب و با ادبی است. به پدر و مادرش احترام می‌گذارد و کاری نمی‌کند که آنها ناراضی شوند. به برادر کوچکترش احمد در انجام تکالیف مدرسه کمک می‌کند. او خوش اخلاق و مهربان است. به کسی حرف بدی نمی‌زند. بیهوده داد و فریاد و دعوا نمی‌کند. تمیز و پاکیزه است. دروغ نمی‌گوید. کسی را اذیّت نمی‌کند. دیگران را مسخره نمی‌کند. او می‌داند که مسخره کردن دیگران کار بسیار بدی است و باعث آزار و ناراحتی آنها می‌شود. او می‌داند که مردم شخص مسخره‌کننده را دوست ندارند و او را فردی بی‌ادب می‌دانند. او می‌داند که خدا هم شخص مسخره‌کننده را دوست ندارد و در روز قیامت او را به کیفر می‌رساند. به همین جهت به کسی نمی‌خندد و او را مسخره نمی‌کند.

طاهره چون دختر پاکیزه و با ادب و خوش‌اخلاقی است همه او را دوست دارند و به او احترام می‌گذارند. خدا هم او را و همهٔ کودکان خوش‌اخلاق را دوست دارد و به آنها در قیامت پاداش نیک می‌دهد.

***

خدا در قرآن مؤمنان را از مسخره کردن دیگران نهی کرده و می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مبادا گروهی، عدّهٔ دیگری را مسخره کند. شاید آنها که مسخره می‌شوند بهتر از آن گروه باشند. هم‌چنین از دیگران عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را با نامهای زشت و بد نخوانید.

امام صادق علیه‌السلام هم فرموده است:

کسی که مردم را مسخره می‌کند نباید به محبت آنها امیدوار باشد.



پرسش

۱ ــ چرا همه بچّه‌ها طاهره را دوست دارند؟

۲ ــ چرا مردم فرد مسخره کننده را دوست ندارند؟

۳ ــ خدا چه کودکانی را دوست دارد؟ و در قیامت چگونه خواهند بود؟

۴ ــ خدا در قرآن دربارهٔ مسخره کردن دیگران چه می‌گوید؟

۵ ــ امام صادق دربارهٔ مسخره کردن دیگران چه فرموده است؟

احسان به مادر

زکریّا مسیحی بود و در شهر کوفه زندگی می‌کرد. پدر و مادر و همهٔ خویشان این جوان مسیحی بودند. زکریّا در اثر رفت و آمد و معاشرت با مسلمانان به دین اسلام علاقه‌مند شد. رفتار نیک، اخلاق پسندیده، راستی و درستی، پاکیزگی و نماز و عبادت مسلمانان را از نزدیک می‌دید. با قرآن آشنا شد و دربارهٔ آیات آن فکر می‌کرد. او بعد از تحقیق و کنجکاوی، دین اسلام را پذیرفت و مسلمان شد.

سپس برای انجام دادن مراسم حجّ به مکّه سفر کرد. در مراجعت از سفر، در شهر مدینه، به خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد: من مسیحی بودم و تازه مسلمان شده‌ام.

امام پرسید: علّت مسلمان شدنت چه بود؟ گفت: در آیات قرآن تفکر کردم. فکر می‌کردم چگونه یک فرد امّی و درس‌نخوانده می‌تواند چنین آیات زیبا و پرمعنایی را بیاورد؟ و از همین راه اطمینان پیدا کردم که قرآن از جانب خدا نازل شده و محمّد پیامبر خداوند است. بعد از تحقیق مسلمان شدم.

امام صادق برای او دعا کرد و فرمود: خدایا دلش را نورانی کن. آن‌گاه زکریّا گفت: ای فرزند گرامی رسول خدا، پدر و مادر و همهٔ خویشان من مسیحی هستند چگونه با آنها رفتار کنم؟ مادری پیر و نابینا دارم که به پرستار احتیاج دارد؛ چه کنم؟ آیا ارتباطم را با او قطع کنم؟

امام صادق، علیه‌السّلام، فرمود: اسلام دین مهر و محبّت است. دربارهٔ خویشان مخصوصاً پدر و مادر سفارشها دارد. ای جوان، مواظب مادرت باش و

هر چه می‌توانی از او پذیرایی کن. بیش از پیش با او مهربان و خوش‌رفتار باش. مبادا بی‌احترامی کنی یا با صدای بلند جوابش را بدهی.

زکریّا سخن امام را شنید و خداحافظی کرد و به کوفه بازگشت و به خدمت مادر شتافت. بیش از پیش، با مهربانی، از او پذیرایی و دلجویی می‌کرد. با دست خویش به او آب و غذا می‌داد. لباسها و بدنش را می‌شست و تمیز می‌کرد. دستش را می‌گرفت و او را به این طرف و آن طرف می‌برد، در هنگام فراغت نزدش می‌نشست و به سخنانش خوب گوش می‌داد و از او دلجویی می‌کرد.

مادر که از این همه خوشرفتاری و مهربانی تعجّب کرده بود گفت پسرم، تو قبلاً این قدر از من پذیرایی نمی‌کردی؟ چه طور شده که این قدر به من مهربان شده‌ای؟ زکریّا گفت: مادر جان، امام و رهبر ما که در مدینه زندگی می‌کند به من سفارش کرده که تا می‌توانم از پدر و مادر پذیرایی کنم. مادر گفت: پسر جان، گمان می‌کنم او پیامبر باشد، زیرا پیامبران دربارهٔ پدر و مادر این چنین سفارش می‌کنند.

زکریّا گفت: نه مادر جان، او پیامبر نیست. او امام و فرزند پیامبر است. پیامبر ما آخرین پیامبر خداست و بعد از او پیغمبر دیگری نخواهد آمد. اشک مادر پیر جاری شد و گفت: پسرم، دین تو بهترین دینهاست، چه آیین خوبی را پذیرفته‌ای! دینی که به فکر پدر و مادر پیر و نابینا نیز بوده است. پسرم، مرا به عقاید و دستورهای این آیین مقدّس آگاه کن. زکریّا دربارهٔ خداشناسی و معاد و پیامبر اسلام با مادرش صحبت کرد. هنگامی که پیرزن نابینا با اسلام آشنا شد دین اسلام را پذیرفت وضو و نماز خواندن را نیز یاد گرفت. نماز ظهر و عصر

و مغرب و عشا را خواند. در همان شب، حالش تغییر کرد و در بستر بیماری افتاد و بدحال شد. پسر را صدا زد و گفت: پسرجان، عقاید اسلام را دوباره برایم تکرار کن. پسر مهربان دست مادر بیمار و ناتوان را در دست گرفت و با چشم گریان گفت: مادرجان، بگو، به خدای یگانه که آفرینندهٔ انسان و جهان است شهادت می‌دهم. شهادت می‌دهم که محمّد بنده و فرستادهٔ خداست. به جهان آخرت و زندگی پس از مرگ ایمان دارم و می‌دانم که خدا نیکوکاران را پاداش نیک می‌دهد، و بدکاران را به کیفر می‌رساند.

مادر پیر و نابینا، بعد از گفتن شهادت، تبسّمی کرد و از دنیا رفت. مسلمانان بدن آن تازه مسلمان را تشییع کردند. زکریّا با چشم گریان بدن مادر را به خاک سپرد و برایش طلب آمرزش کرد.

پرسش

۱ ــ زکریّا چه دینی داشت؟ چطور شد که به دین اسلام علاقه‌مند شد؟

۲ ــ حضرت امام صادق، علیه‌السّلام، در پاسخ زکریّا که پرسید با مادرم چگونه رفتار کنم؟ چه فرمود؟

۳ ــ رفتار زکریّا با مادرش، بعد از این که مسلمان شد، چگونه بود؟

۴ ــ چرا مادر زکریّا مسلمان شد؟

۵ ــ رفتار شما با مادرتان چگونه است؟ آیا براساس سفارشهای اسلام است؟

درس دوازدهم

امام معصوم
جانشین پیامبر

امام انسان امین و درستکاری است که خدا او را برای «امامت و رهبری مردم» انتخاب می‌کند و پیامبر به فرمان خدا او را معرّفی می‌کند تا امام با گفتار و رفتار خود مردم را به سوی خدا و سعادت همیشگی راهنمایی و هدایت کند، و مردم در روش زندگی از او سرمشق گیرند و پیرو او باشند.

امام، در علم و آگاهی، از همهٔ مردم برتر است. امام قانونها و دستورهای دین را می‌داند و با آگاهی خود جامعهٔ اسلامی را رهبری می‌کند. امام، مانند پیغمبر، نمونهٔ کامل دین است و به دستورهای دین کاملاً عمل می‌کند.

امامان با مردم مهربان بودند. به محرومان کمک می‌کردند و دشمن ستمگران بودند. آنها دانشمندان زیادی را تربیت کردند و به وسیلهٔ آنها مردم را با دستورات خدا آشنا ساختند.

چون امام، مانند پیامبر، گناه و اشتباه ندارد مردم به او اعتماد می‌کنند و می‌توانند از گفتار و رفتارش پیروی کنند.

همهٔ امامان (دوازده امام) معصومند، یعنی گناه نمی‌کنند. کاملاً درستکار و امین هستند. قانونها و دستورهای دین را، درست و کامل به مردم می‌رسانند، یعنی اشتباه و فراموشی ندارند.



پرسش

۱ ــ جانشین پیامبر چه نام دارد؟ چه کسی او را برای جانشینی پیامبر تعیین می‌کند و چه کسی او را به مردم معرفی می‌نماید؟

۲ ــ امام، در علم و آگاهی چگونه است؟

۳ ــ وظیفهٔ اصلی امام چیست؟

۴ ــ رفتار امامان با مردم چگونه بود؟

۵ ــ «امامان معصومند» یعنی چه؟

عید بزرگ غدیر

حضرت محمّد، پیامبر گرامی اسلام درآخرین سال عمر خویش،برای انجام عبادت حج و راهنمایی مسلمانان به مکّه رفت. از مسلمانها نیز دعوت کرد که در مراسم حج شرکت کنند. کسانی که توانایی داشتند دعوت پیامبر را پذیرفتند و عدّهٔ زیادی به سوی مکّه حرکت کردند. آنها عبادت پرشکوه حج را انجام دادند و آداب و اعمال حج را از پیامبر یاد گرفتند. بعد از انجام مراسم حج کاروانها به همراه پیامبر، به سوی وطن حرکت کردند. صدای زنگ شترها بیابان را پر کرده بود. هوا بسیار گرم و صحرای حجاز سوزان بود.

در بین راه فرشتهٔ وحی فرود آمد و از جانب خدا پیام آورد که: ای پیامبر! پیامی را که از پروردگارت به سوی تو فرود آمده به مردم برسان. اگر کوتاهی کنی، رسالت الهی خویش را انجام نداده‌ای. خدا تو را از شرّ دشمنان نگاه می‌دارد و کافران را به مقصود نمی‌رساند.

پیامبر، همان‌جا، فرود آمد تا به فرمان خدا عمل کند. به عدّه‌ای از مسلمانان فرمود: به کاروانهایی که جلو رفته‌اند خبر دهید برگردند و به آنها که هنوز نرسیده‌اند بگویید زودتر بیایند. آنها بر شترهای تیزرو سوار شدند و خود را شتابان به کاروانها رساندند و فرمان پیامبر را بیان کردند.

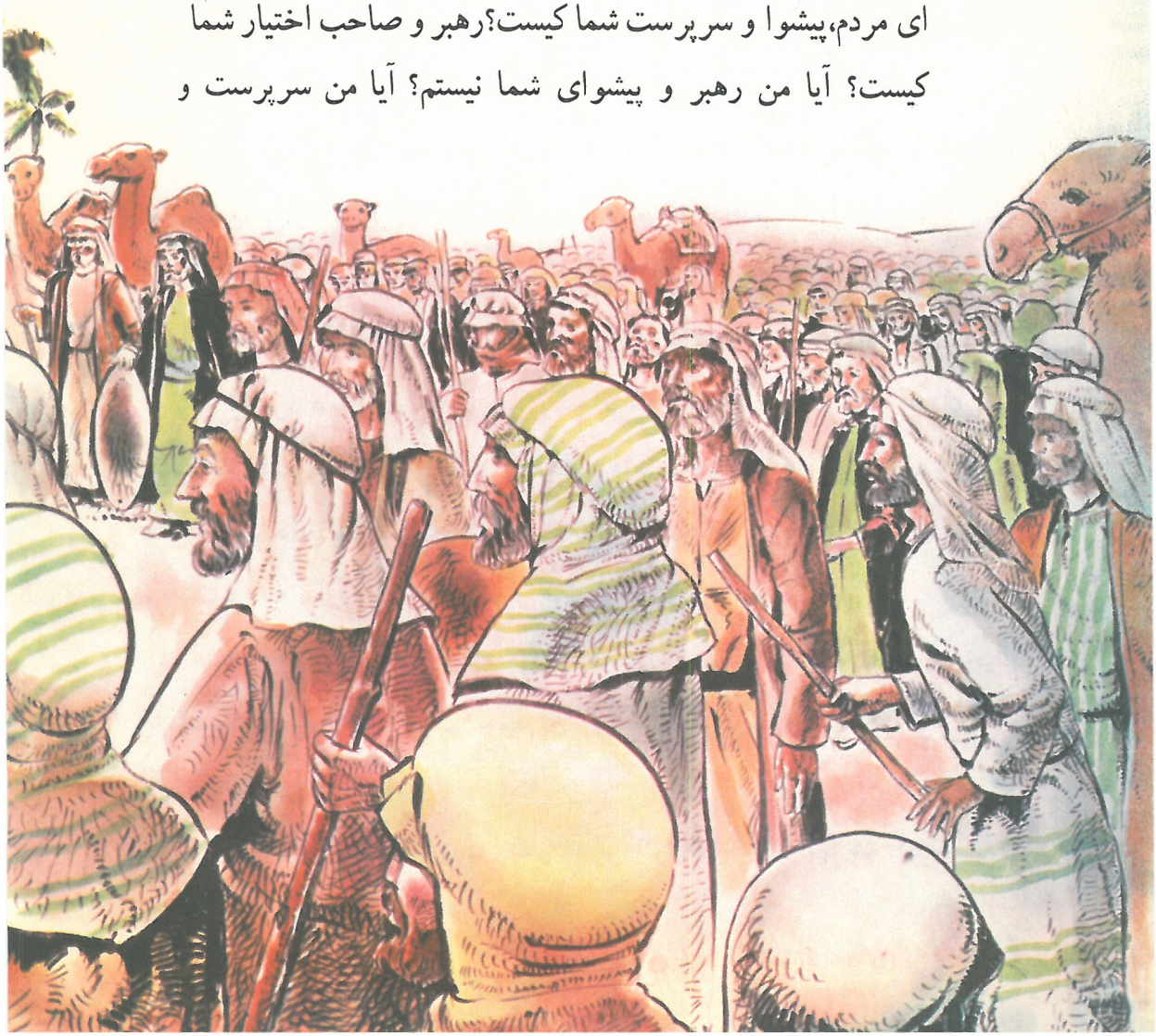
کاروانیان که پیش رفته بودند افسار شترها را کشیدند و گفتند چرا بایستیم؟ چه خبر شده است؟ سواران گفتند: پیامبر با شما کار دارد، فرموده به کنار غدیر برگردید.

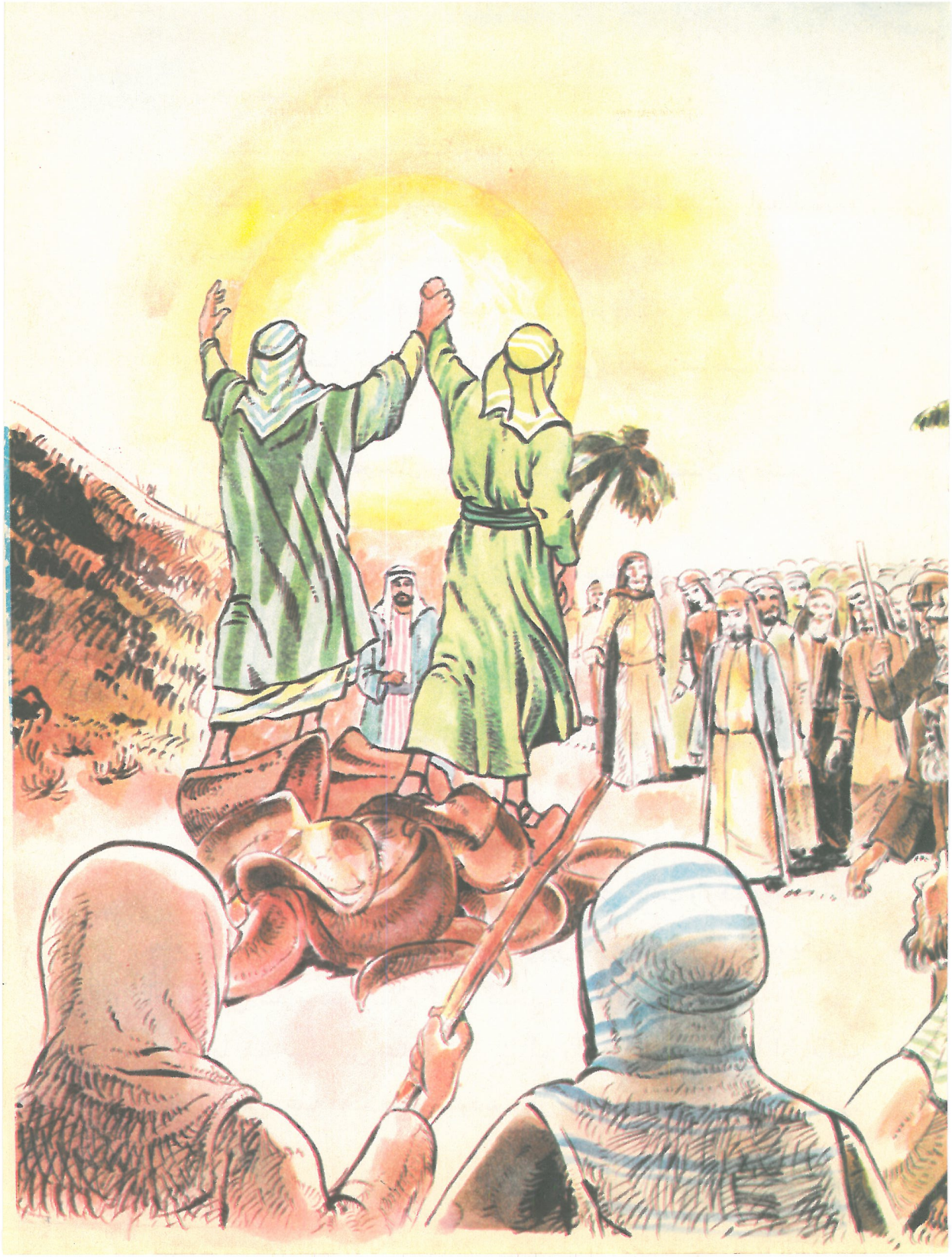
کاروانها برگشتند و در کنار غدیر بار انداختند. آنها هم که نرسیده

بودند، رسیدند و به این ترتیب هزاران نفر در آن‌جا جمع شدند و نماز ظهر را با پیامبر خواندند. سپس از باربند شترها منبری برپا ساختند. پیامبر گرامی بر فراز آن ایستاد تا فرمان خدا را انجام دهد و آن پیام مهم را به مردم برساند. همهٔ مردم، ساکت در انتظار شنیدن سخنان پیامبر بودند.

پیامبر گرامی، بعد از پند و اندرز و سخنانی سودمند، با صدایی بلند به مردم فرمود:

ای مردم، پیشوا و سرپرست شما کیست؟ رهبر و صاحب اختیار شما کیست؟ آیا من رهبر و پیشوای شما نیستم؟ آیا من سرپرست و





صاحب اختیار شما نیستم؟

گفتند: یا رسول الله، شما رهبر و صاحب اختیار ما هستید. شما پیشوای ما هستید. پیامبر اکرم، در این هنگام، علیّ‌بن ابیطالب علیه‌السّلام را نزدیک خود آورد. دستش را گرفت و بلند کرد و او را به مردم نشان داد و با صدای بلند فرمود: کسی که من ولی و صاحب اختیار او هستم، بعد از من «علی» ولی و صاحب اختیار او خواهد بود.

پروردگارا! با دوستان علی دوست باش. و با دشمنان او دشمن باش.

پروردگارا! یاران علی را یاری کن و بدخواهان علی را خوار گردان.

سپس از منبر پایین آمد. در این هنگام، مسلمانها دسته دسته می‌آمدند دست حضرت علی را می‌گرفتند و مقام امامت و رهبری مؤمنین را به او تبریک می‌گفتند،و او را «امیرالمؤمنین»می نامیدند.

آن روز،روز هیجدهم ذی‌حجّه بود.

در آن روز، علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام برای امامت و رهبری مسلمانان به فرمان خدا انتخاب شد و به وسیلهٔ پیامبر معرّفی گردید. امامت، یکی از اصول دین شد و دین اسلام کامل گشت.

ما همه ساله این عید و روز بزرگ را جشن می‌گیریم. ما از امامت حضرت علی، علیه السّلام، خوشنودیم و از گفتار و رفتارش پیروی می‌کنیم.

۱ ــ وقتی پیامبر گرامی اسلام از آخرین سفر حج خود باز می‌گشت فرشتهٔ وحی چه پیامی برای او آورد؟ متن پیام را بگویید.

۲ ــ در روز غدیر، پیامبر ابتدا از مردم چه پرسید؟ مردم چه پاسخ دادند؟

۳ ــ پیامبر وقتی دست علیّ‌بن ابیطالب را گرفت چه فرمود؟ پس از معرّفی حضرت علی چه دعائی کرد؟

۴ ــ پس از معرّفی، مسلمانها به چه عنوانی به حضرت علی تبریک گفتند؟

برای آگاهی مربیّان و آموزگاران

۱ ــ گروه کثیری، حدیث غدیر را از پیغمبر روایت کرده‌اند. و با عبارتهای مختلف در کتابهای سنّی و شیعه نقل شده است.
مانند: مجمع‌الزوائد جلد ۹ ص ۱۰۳ تا ص ۱۰۹
سیرهٔ ابن کثیر جلد ۴ ص ۴۱۷ تا ص ۴۲۶
سیرهٔ حلبی جلد ۳ ص ۳۰۸.
سنن ابن ماجه جلد ۱ ص ۴۳.
مستدرک حاکم جلد ۲ ص ۱۱۰
اسدالغابه جلد ۴ ص ۲۸.
غایةالمرام سید هاشم بحرانی ص ۷۹ تا ص ۱۰۳. و دیگر کتابها.

«روز غدیر»

در «غدیر خم» که نام برکه‌ایست
داد احمد را خدا فرمان ایست

همرهان را خواند احمد با شَعَف
رفتگان باز آمدند از هر طرف

از جهاز اُشتران کاروان
منبری بر ساختندش در میان

گرد آن پیغمبر والا تبار
اجتماعی شد فزون از صدهزار

ابتدا احمد به منبر پا نهاد
پس علی را در کنارش جای داد

دست او بگرفت و کرد او را بلند
بر سر دستش نبی ارجمند

گفت: هر کس را که من هستم ولی
هست بعد از من ولیّش این علی

پیروی از جانشین من کنید
قلب خویش از نور او روشن کنید

گفت: یا رب دوستانش دوست‌دار
دشمنانش را همی دشمن شمار

بارالها یار او را یار باش
هرکه‌خواهدخواریش‌گوخوارباش

چون به پایان گفتهٔ احمد رسید
این خطاب از جانب ایزد رسید

دینتان کامل شد و نعمت تمام
شد خدا راضی از این دین و امام

حبیب‌الله چایچیان «حسان»

این شعر را به شکل سرود بخوانید.

امام پنجم
حضرت امام محمّدباقر، علیه‌السّلام

در کتاب سوم با چهار امام گرامی آشنا شدید.

حالا با زندگی امام پنجم آشنا می‌شوید:

امام محمّد باقر، علیه‌السّلام، در سال «۵۷» هجری روز سوم ماه صفر در شهر مدینه به دنیا آمد. پدر گرامیش حضرت سجّاد و مادر ارجمندش فاطمه (دختر حضرت امام حسن) است. حضرت سجّاد به فرمان خدا و سفارش پیغمبر فرزندش امام محمّد باقر را برای امامت و پیشوایی مردم انتخاب کرد.

حضرت امام محمّد باقر، مانند امامان دیگر، در علم و دانش نظیر نداشت. دانشمندان بزرگ، از علم و دانش او استفاده می‌کردند و مشکلاتشان را از او می‌پرسیدند. علم و دانش او به قدری زیاد بود که او را «باقرالعلوم» می‌نامیدند. باقرالعلوم یعنی شکافندهٔ دانشهای گوناگون.

حضرت امام محمّد باقر، علیه‌السّلام، برای انجام وظایف امامت دستورهای دین را به مردم می‌آموخت و آداب زندگی را به آنان یاد می‌داد. و در تعلیم و تربیت و راهنمایی مردم بسیار می‌کوشید. در دوران زندگی خود، هزاران حدیث آموزنده و مطلب علمی به مردم یاد داد که اکنون به ما رسیده است.

امام محمّد باقر، علیه‌السّلام، مدّت «۵۷» سال در این جهان زندگی کرد و در روز هفتم ماه ذی‌حجّه، سال «۱۱۴» هجری، در مدینه به‌شهادت رسید. بدنش را در قبرستان بقیع کنار قبر حضرت سجّاد به خاک سپردند ــ درود فراوان بر او باد ــ.

امام باقر در برابر ستمگر

هِشام، یکی از پادشاهان ستمگر بود. او خودش را جانشین رسول خدا می‌نامید. ولی به مردم ستم می‌کرد. در زمان او، بسیاری از مسلمانان، فقیر و تهیدست بودند امّا او برای خویش کاخ و قصر می‌ساخت و مال و ثروت می‌اندوخت و برای این که مردم بر ضد او قیام نکنند آنها را در جهل و بی‌خبری نگه می‌داشت.

امام محمّد باقر. علیه‌السّلام، در مدینه به مردم آگاهی می‌داد و اسلام راستین را به آنها معرّفی می‌فرمود. از ستم و ستمگری انتقاد می‌کرد و مردم را به عدالت و دادگری تشویق می‌فرمود. از مردم می‌خواست که در برابر ستمگران قیام کنند. حقّ خود را بگیرند و اسلام راستین را در جامعه اجرا کنند و ستمگران و خیانتکاران را به سزای خود برسانند.

کارها و روشنگریهای امام باقر به اطّلاع هشام رسید. او حکومت خود را درخطر دید. خشمناک شد و دستور داد که امام را از مدینه به شام بیاورند.

وزیران و بزرگان شام، در مجلس هشام نشسته بودند که امام محمّد باقر را وارد کردند. امام بدون این که به هشام اعتنا کند، وارد شد و نشست. هشام از این برخوردِ امام بیشتر خشمگین شد. با عصبانیّت و فریاد امام را تهدید کرد و گفت: ای محمّدبن علی، به من گزارش داده‌اند که مردم را بر ضدّ حکومت من به قیام و انقلاب تشویق می‌کنی! تو باید از این کارها دست برداری وگرنه جان خود را به خطر می‌اندازی.

پس از سخنان هشام، وزیران و افرادِ نالایقی که اطراف او بودند امام را

توبیخ و تهدید کردند.

در این هنگام امام محمّد باقر، علیه‌السّلام، برخاست. سخنش را با نام خدا و سپاس و ستایش او شروع کرد و به افرادی که در آن مجلس بودند فرمود: ای مردم، در اطراف چه کسی جمع شده‌اید؟ خدا را از خود خشمگین ساخته‌اید و ذلّت دنیا و عذاب آخرت را برای خود خریده‌اید. من فرزند پیغمبر شما هستم. من امام و رهبر جامعهٔ مسلمین هستم. چرا از این ستمگر پشتیبانی می‌کنید؟ مگر از فقر و تهیدستی مردم خبر ندارید؟ از خدا بترسید و در راه خدا قیام کنید و سعادت دنیا و آخرت را به دست آورید.

هشام از سخنان امام خشمگین‌تر شد. دستور داد که او را به زندان بیندازند.

امام محمّد باقر، علیه السّلام، در زندان نیز ساکت نبود. برای زندانیان صحبت می‌کرد و آنان را به قیام برای خدا دعوت می‌کرد. زندانیان به او علاقه‌مند شدند و در داخل زندان بر ضدّ حکومت ستمگر هشام شورش کردند.

هشام که احساس خطر می‌کرد، ناچار امام را دوباره به مدینه بازگرداند.

سخنان آموزنده‌ای از امام پنجم:

* ارزش انسان در آن است که یا درس بخواند یا به دیگران درس بیاموزد.

* اگر کسی بتواند برای خانواده‌ای که در سختی زندگی می‌کند، وسایل آسایش فراهم کند و آن خانواده را از گرسنگی و نیازمندی نجات دهد با ارزش‌ترین کار را انجام داده است.

پرسش

۱ ــ چرا هشام حضرت امام محمّدباقر، علیه‌السّلام، را از مدینه به سوی شام جلب کرد؟

۲ ــ حضرت امام محمّد باقر، علیه السّلام، به اطرافیان هشام چه چیزهایی فرمود؟ خلاصهٔ آن را بیان کنید.

۳ ــ چرا هشام ناچار شد امام را دوباره به مدینه بازگرداند؟

۴ ــ یک سخن آموزنده از امام پنجم بیان کنید.

امام ششم
حضرت امام جعفر صادق، عَلَیهِ السَّلام

حضرت امام جعفر صادق، عَلَیهِ السَّلام، در روز هفدهم ربیع الاوّل سال «۸۳ هجری» به دنیا آمد. پدر گرامیش امام محمّدِ باقر و نام مادر ارجمندش فاطمه بود.

امام محمّد باقر، عَلَیهِ السَّلام، به فرمان خدا و سفارش پیغمبر، فرزندش امام جعفر صادق را برای امامت و پیشوایی تعیین کرد و به مردم معرّفی فرمود.

حضرت امام جعفر صادق، علیه السّلام، در بیان احکام دین و نشر قانونهای قرآن و روشنگری مردم، آزادیِ بیشتری داشت.

امام صادق، علیه‌السّلام، از این فرصت استفاده کرد و در تعلیم دانشِ دین و نشر فرهنگ اسلام، بسیار کوشید. مردم را با عقاید و اخلاقِ عالیِ اسلام آشنا کرد؛ و شاگردان مبارز و دانشمندی تربیت کرد. شاگردان امام صادق، که در رشته‌های گوناگون علوم در خدمتش درس می‌خواندند و تربیت می‌شدند، به چهار هزار نفر می‌رسیدند. آنان کتابهای گرانبهایی نوشتند و با تلاش و مبارزهٔ خود دین اسلام را گسترش دادند.

حضرت امام جعفر صادق، علیه‌السّلام، با استفاده از این فرصت توانست، بیشتر از امامان دیگر مردم را آگاه و حقایق دین را بیان نماید. آن حضرت، اخلاق و رفتار واقعی پیغمبر گرامی اسلام و حضرت علی را به مردم معرّفی کرد و نشانه‌های مسلمانان و شیعیان حقیقی را بیان نمود؛ به همین جهت است که مذهب شیعه را «مذهبِ جعفری» نیز می‌گویند.

حضرت امام جعفر صادق، علیه‌السّلام، مدّت «۶۵ سال» در این جهان زندگی کرد، و در بیست و پنجم ماه شوّال سال «۱۴۸ هجری»، در مدینه شهید شد. بدنش را در قبرستان بقیع، کنار قبر امام باقر، به خاک سپردند. سلام خدا همیشه بر او باد!



پرسش

۱ ــ حضرت امام صادق دربارهٔ چه مطالبی توانست مردم را بیشتر از امامان دیگر آگاه نماید؟

۲ ــ به چه جهت مذهب شیعه را، مذهب جعفری هم می‌گویند؟

۳ ــ شاگردان امام صادق تقریباً به چند نفر می‌رسیدند؟ شاگردان امام صادق با چه صفاتی در کتاب معرفی شده‌اند؟

انفاق در تاریکی شب

در یک شب تاریک و بارانی، امام صادق را دیدم که بار سنگینی را به زحمت بر دوش گرفته بود و می‌رفت. با خود گفتم: امام صادق با این بار سنگین کجا می‌رود؟ در این شب تاریک، شاید خطری برای او پیش آید. خوب است همراهش بروم و از او مراقبت کنم.

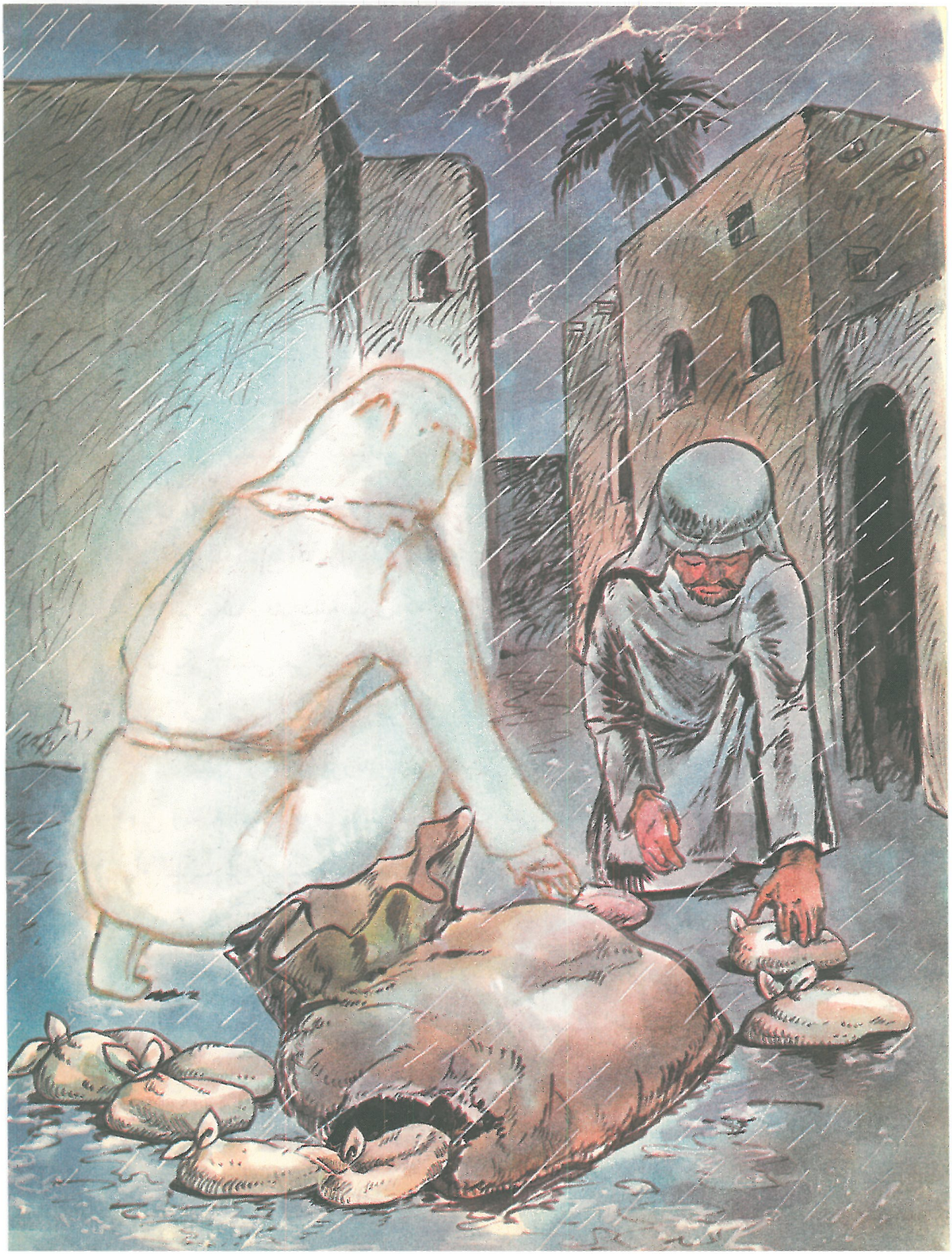
آهسته به دنبال او حرکت کردم. نمی‌دانستم او کجا می‌رود و با خود چه می‌برد. از چند کوچه گذشتم. صدایی شنیدم. گویا بار او بر زمین ریخت. صدای امام صادق را شنیدم که می‌گفت: پروردگارا، در این تاریکی شب مرا یاری کن تا گمشده‌ها را پیدا کنم.

نزدیک رفتم دیدم باری که بر دوش داشته بر زمین ریخته است و امام، در تاریکی، سعی می‌کند تا آنها را پیدا کند. نزدیکتر رفتم و سلام کردم. امام صادق صدایم را شناخت. جوابم را داد و فرمود: مُعَلّیٰ تو هستی؟

گفتم: آری ای فرزند پیامبر، سپس فرمود: باری که بر دوش داشتم بر زمین ریخته است آیا می‌توانی مرا کمک کنی؟ در جمع کردن بسته‌های غذا به امام کمک کردم. کیسه پر شد. گفتم: اجازه دهید من این کیسه را بیاورم، شما خسته می‌شوید.

امام فرمود: نه، من برای به دوش کشیدن این بار سنگین سزاوارترم. جدّم رسول خدا فرمود که هرکس به فکر مسلمانها نباشد، مسلمان نیست. هرکس که شب سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد مسلمان نیست.

با هم صحبت می‌کردیم و می‌رفتیم تا به سایبان «بَنی ساعده» رسیدیم.



آنجا گروهی از تهیدستان زندگی می‌کردند. امام بار را بر زمین گذاشت و بی‌صدا غذاها را در میان آنان تقسیم کرد. سهم هرکس را بالای سرش گذاشت. هیچ‌کس بیدار نشد و نفهمید که چه کسی برایشان غذا آورده است.

خدا در قرآن می‌فرماید: از آنچه به شما دادیم در راه خدا انفاق کنید.

سخنان آموزنده‌ای از امام ششم:

* به هرکس که نیازمند است کمک کنید هر چند مسلمان نباشد. خدا کمک کردن به هر انسانی را دوست دارد.
* هرکه دو روز از عمرش مثل هم باشد، ضرر کرده است.

پرسش

۱ ــ در سایبان بنی‌ساعده چه افرادی زندگی می‌کردند؟ امام صادق غذاها را چگونه بین آنها تقسیم می‌کرد؟

۲ ــ رسول خدا دربارهٔ اینکه باید به فکر مسلمانها و مخصوصاً همسایگان باشیم، چه فرموده‌اند؟

۳ ــ یک سخن آموزنده از امام ششم بیان نمایید.

امام هفتم
حضرت امام موسیٰ کاظم، علیه‌السّلام

امام موسیٰ کاظم، در روز هفتم ماه صفر سال «۱۲۸» هجری، در شهر مدینه، به دنیا آمد. پدر گرامیش امام جعفر صادق و نام مادرِ ارجمندش حمیده بود.

حضرت امام جعفر صادق به فرمان خدا و سفارش پیغمبر، فرزندش امام موسیٰ کاظم را برای امامت و رهبری تعیین و به مردم معرّفی کرد.

حضرت امام موسیٰ کاظم مردی دانشمند و پرهیزگار بود. عبادت و پرهیزگاری او به اندازه‌ای بود که او را «عبدِ صالح» می‌نامیدند. عبدِ صالح یعنی بندهٔ شایستهٔ خدا.

او بسیار صبور و شکیبا بود. برای هدایت‌مردم سختیها را تحمّل می‌کرد و از خطا و اشتباه آنان می‌گذشت. اگر کسی از روی نادانی، با رفتار ناپسند خود، او را خشمگین می‌کرد خشم خود را فرو می‌برد و با محبّت و مهربانی او را راهنمایی می‌فرمود. به همین جهت او را «کاظم» می‌نامند. کاظم یعنی کسی که خشم خود را فرو می‌برد و پرخاش و تندی نمی‌کند.

حضرت امام موسیٰ کاظم مدّت «۵۵» سال، در این جهان، زندگی کرد. در این مدّت با ستمگران زمان خود مخصوصاً هارون، مبارزه می‌کرد. به همین جهت سالهای بسیاری را در زندانهای تاریک اسیر بود و سرانجام در بیست و پنجم ماه رجب سال «۱۸۳» هجری، در زندان بغداد شهید شد. بدنش را در نزدیکی بغداد (کاظمین امروزی) به خاک سپردند ــ سلام خدا بر اوباد ــ!

پرسش

۱ ــ کاظم یعنی چه؟ حضرت امام موسی‌بن جعفر را چرا کاظم می‌گویند؟
۲ ــ لقب دیگر او چیست؟ و چرا او را به این لقب می‌خوانند؟
۳ ــ امام سالهای بسیاری را در کجا بسر برد؟ چرا؟

چگونه امام آن مرد را تربیت کرد؟

او کشاورز فقیر و نادانی بود. وقتی حضرت امام موسیٰ کاظم، علیه‌السّلام، را می‌دید بی‌ادبی می‌کرد و دشنام می‌داد. او همیشه امام و دوستان امام را، ناراحت و خشمگین می‌کرد.

امام موسیٰ کاظم همیشه خشم خود را فرو می‌برد و پاسخ آزارها و دشنامهایش را نمی‌داد. ولی دوستان امام، از آن همه بی‌ادبی، بسیار خشمگین می‌شدند.

یک روز که آن مرد بی‌ادب، مثل همیشه، شروع به بدگویی کرد، دوستان امام تصمیم گرفتند او را مجازات کنند. می‌خواستند او را آن‌قدر کتک بزنند تا بمیرد و برای همیشه از دشنام‌گویی ساکت شود. می‌گفتند این مرد باید سزای این همه بی‌ادبی را ببیند.

امام موسیٰ کاظم از تصمیم آنها آگاه شد. آنها را نهی فرمود و گفت دوستان من، صبر کنید، من خودم، او را ادب می‌کنم.

روزها می‌گذشت، و آن مرد همچنان به رفتار ناپسند خود ادامه می‌داد و دوستان امام را ناراحت و عصبانی می‌کرد؛ ولی هروقت تصمیم می‌گرفتند که او را تنبیه کنند امام به آنان می‌فرمود: دوستان من، صبر کنید. من خودم، او را ادب می‌کنم.

امام در پی فرصتی بود که هم او را نصیحت و ارشاد کند و هم به او کمک کند و او را از فقر نجات بدهد.

روزی، امام موسیٰ کاظم پرسید: آن مرد کجاست؟

گفتند: بیرون شهر، در زمینش مشغول کار و کشاورزی است.

امام موسیٰ کاظم به سوی مزرعهٔ او حرکت کرد.

او وقتی امام را دید بیلش را در زمین فرو برد و دستش را به کمر زد و ایستاد. خواست زبان به دشنام باز کند که امام به سوی او رفت. با مهربانی سلام کرد و با خنده و گشاده‌رویی با او شروع به صحبت کرد و او را مورد محبّت و کمک خود قرار داد.

مرد کشاورز، که در مقابل آن همه آزار و بی‌ادبی چنین رفتار نیک و اخلاق خوشی را می‌دید، بسیار شرمنده شد. با صدای لرزان گفت:

«من بد بودم که شما را اذیّت می‌کردم، ولی شما بزرگ و بزرگ‌زاده هستید و به من خوبی کردید. به من کمک کردید. خواهش می‌کنم مرا ببخشید.»

پس از یک گفتگوی کوتاه، امام خداحافظی کرد و به مدینه باز گشت.

بعد از آن، هر وقت مردِ کشاورز امام را می‌دید با ادب سلام می‌کرد و امام و دوستان امام را احترام می‌نمود و می‌گفت:

«خدا بهتر می‌داند، چه کسی را امام و پیشوای مردم قرار دهد.»

سخنان آموزنده‌ای از امام هفتم:

* سازگاری و خوش‌اخلاقی و نیکی با مردم، شهرها را آباد می‌کند.
* عاقل، دروغ نمی‌گوید حتی اگر از راه دروغ بتواند به خواستهٔ خود برسد.

پرسش

۱ ــ امام آن کشاورز تهیدست را چگونه تربیت و هدایت کرد؟

۲ ــ بعد از این که امام او را با نصیحت و ارشاد و کمک خود راهنمایی کرد رفتارش با امام و یاران امام چگونه شد؟ هنگامی که آنان را می‌دید چه می‌گفت؟

۳ ــ از رفتار امام موسیٰ کاظم با آن مرد چه می‌آموزیم؟

۴ ــ یک سخن آموزنده از امام هفتم بیان کنید.

امام هشتم

حضرت امام رضا، علیه‌السّلام

امام رضا، علیه‌السّلام، در یازدهم ماه ذیقعده، سال «۱۴۸» هجری، در مدینه به دنیا آمد. پدرش حضرت امام موسیٰ کاظم نامش را «علی» گذاشت و به رضا نیز معروف شد. نام گرامی مادرش «نجمه» می‌باشد.

حضرت امام موسیٰ کاظم فرزندش «علیّ‌بن موسی‌الرّضا» را، به فرمان خدا و سفارش پیغمبر، برای امامت تعیین و به مردم معرّفی کرد.

علم و دانش حضرت امام‌رضا، مانند دیگر امامان، بر دانش همهٔ مردم برتری داشت. دانشجویان و دانشمندان، برای یادگرفتن علم و دین خدمتش می‌رسیدند و از علوم او بهره‌مند می‌شدند.

دانشمندان مسیحی و یهودی و دینهای دیگر پیش او می‌آمدند. امام، علیه‌السّلام، با آنان بحث و گفتگو می‌کرد و به سؤالهای مشکل آنان پاسخ می‌داد و آنان را راهنمایی و هدایت می‌فرمود. هیچ‌گاه نشد که پاسخ سؤالی را نداند یا جواب نادرستی بدهد.

به خاطر دانش فراوان و علم خدادادش، او را «عالِم آل محمّد» می‌نامیدند.

در زمان امامت حضرت رضا، عَلَیهِ‌السَّلام، مأمون حاکم بود. او برای اینکه مردم را از حضرت رضا دور کند، امام را که در مدینه زندگی می‌کرد، به شهر توس دعوت کرد. او به امام پیشنهاد کرد که حکومت را بپذیرد.

ولی امام که از حیله‌گری مأمون آگاه بود، پیشنهاد او را نپذیرفت.

سرانجام مأمون که از شخصیّت این امام گرامی می‌ترسید و از روشنگریهای او احساس خطر می‌کرد او را مسموم و شهید کرد.

حضرت رضا، که درود همه بر او باد، در آخرین روز ماه صفر، در سال «۲۰۳» هجری در شهر توس، شهید شد. بدنش را در نزدیکی همان شهر (مشهد امروزی) به خاک سپردند. قبرش امروز زیارتگاه مسلمانان است.



پرسش

۱ ــ «عالم آل محمد» یعنی چه؟ چرا امام رضا را به این نام نامیدند؟
۲ ــ چرا مأمون حضرت رضا را به شهر توس دعوت کرد؟
۳ ــ چرا امام پیشنهاد مأمون را برای حکومت نپذیرفت؟

از رفتار امام بیاموزیم

ابراهیم یکی از دوستان نزدیک حضرت امام رضا، عَلَیهِ‌السَّلام، بود. او که رفتار آن امام بزرگ را به دقّت دیده است، دربارهٔ رفتار و اخلاق پسندیدهٔ امام چنین می‌گوید:

«هیچ‌گاه ندیدم که امام رضا با سخن تندی، دل‌مؤمنی را بیازارد. هرگز بین سخن کسی صحبت نمی‌کرد و حرف او را قطع نمی‌کرد. می‌فرمود کسی که در بین صحبت دیگری لب به سخن گشاید مثل این است که چهرهٔ او را خراشیده است. تقاضای مسلمانان را رد نمی‌کرد و تا آنجا که می‌توانست همگان را یاری می‌فرمود. مگر اینکه انجام آن کار برایش ممکن نبود، که در این صورت با مهربانی عذر می‌خواست. با همه به احترام و ادب رفتار می‌کرد.

سخنان آموزنده‌ای از امام هشتم:

* در کتابهای حدیث، سخنان آموزنده‌ای از حضرت رضا وجود دارد. از جمله پیامی است که توسط حضرت عبدالعظیم برای شیعیان فرستاده است. حضرت عبدالعظیم، عالمی بزرگوار از نوادگان امام حسن است که در شهر ری مدفون است.

امام به وی فرمود: «از من به دوستانم سلام برسان. بگو، کاری نکنند که شیطان در پندار و رفتارشان راه یابد. بگو، راست بگویند، امانتدار باشند. در کارهای بیهوده وارد نشوند. با یکدیگر رفت و آمد کنند، معاشرت داشته باشند، دوستی کنند، به یکدیگر روی آورند. به این ترتیب من به آنان نزدیک و مهربان خواهم شد. بگو، به جان یکدیگر نیفتند، با هم دشمنی نکنند. خدا کسانی را که

باعث اختلاف و دشمنی مردم می‌شوند، به سخت‌ترین عذاب مجازات می‌کند...»

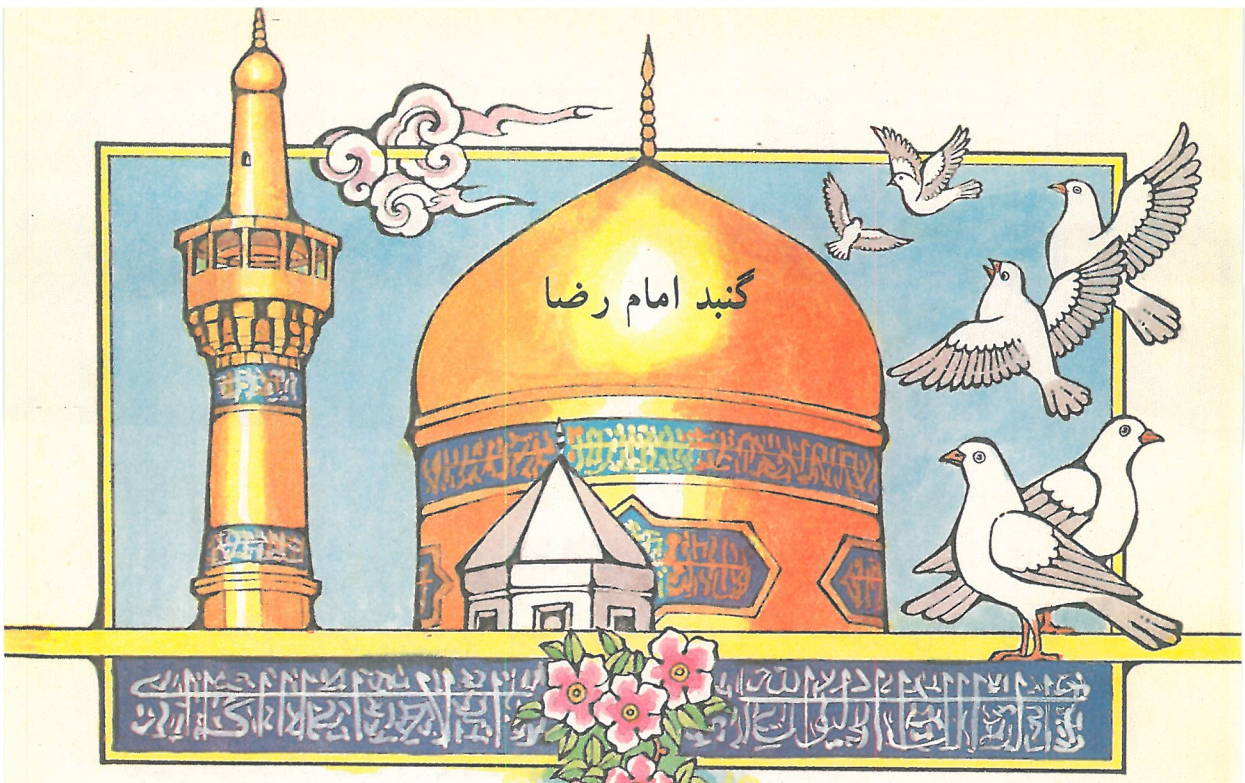
* دوست هر کس عقل و دانش، و دشمنش نادانی اوست.



پرسش

۱ ــ ابراهیم دربارهٔ حضرت امام رضا چه صفاتی را گفت؟ چهار صفت مهم را بیان کنید.

۲ ــ حضرت امام‌رضا توسط حضرت عبدالعظیم چه سفارشهایی به شیعیان خود کرده است؟ (چهار مورد آن را بنویسید.)



غرق نور است و طلا ... گنبد زرد، رضا
بوی گل، بوی گلاب ... می‌رسد از همه جا
مثل یک خورشید است ... می‌درخشد از دور
شده از این خورشید ... شهر مشهد پرنور
چشمها، خیره به او ... قلبها، غرق دعاست
بر لب پیر و جوان ... همه، یا رضا رضاست
ای خدا کاش که من ... یک کبوتر بودم
روی این گنبد زرد ... شاد می‌آسودم
می‌زدم بال و پری ... دور تا دور حرم
از دلم پر می‌زد ... ماتم و غصه و غم

شکوه قاسم‌نیا

درس بیست و دوم

چیزهای نجس

اسلام بعضی چیزها را نجس می‌شمارد و به ما دستور می‌دهد از آنها دوری کنیم. در حال نماز خواندن باید بدن و لباس ما پاک باشد. خوردن چیز نجس هم حرام است و گناه دارد.

نام چیزهای نجس را در رساله‌ها نوشته‌اند. ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ ــ ادرار انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد.

۲ ــ مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد.

۳ ــ مردهٔ هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۴ ــ سگ و خوک.

۵ ــ شراب و هر مایعی که مست کننده است.

۶ ــ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۷ ــ کافر، یعنی کسی که به خدا ایمان ندارد، یا برای خدا شریک قرار می‌دهد یا پیامبر اسلام را قبول ندارد.

اگر چیز پاکی به یکی از این نجسها آلوده شود، در صورتی که هر دو یا یکی از آنها تر باشد، نجس می‌شود.

چیزهایی را که نجس شده‌اند می‌توان با آب پاک کرد. مثلاً اگر بدن ما با ادرار یا مدفوع یا خون نجس شده باشد، بعد از اینکه چیز نجس برطرف شد اگر دو بار آب روی آن بریزیم پاک می‌شود.



پرسش

۱ ــ نجاسات را نام ببرید.

۲ ــ چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟

۳ ــ اگر بدن یا لباس با ادرار یا خون نجس شده باشد، چگونه آن را پاک می‌کنیم؟

نماز را گرامی بدارید

نماز ستون دین و بهترینِ عبادتهاست. نمازگزار، خدا را بسیار دوست دارد. او در نماز با خدای مهربان گفتگو و راز و نیاز می‌کند و از نعمتهای بسیارش تشکّر می‌کند. اگر نماز را با هم و به صورت جماعت بخوانیم، ارزش و ثواب بیشتری دارد.

خدا هم نمازگزاران را، مخصوصاً کودکانی را که نماز می‌خوانند، خیلی دوست دارد و به آنان پاداش بسیار نیک می‌دهد.

هر انسانِ مسلمان به نماز علاقه‌مند است. نماز خواندن و صحبت با خدا را دوست دارد و آن را گرامی می‌دارد. انتظار می‌کشد که وقت نماز برسد تا با خدا مناجات و راز و نیاز کند.

هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد دست از هر کاری می‌کشد و خود را از هرگونه آلودگی پاک می‌کند. وضو می‌گیرد، لباس پاک می‌پوشد، و در اوّل وقت مشغول نماز خواندن می‌شود. فکرش را از همه چیز خالی می‌کند و فقط به آفرینندهٔ خود فکر می‌کند و به او مهر می‌ورزد. با ادب در مقابل پروردگار جهانیان می‌ایستد، تکبیر می‌گوید و خدا را به بزرگی یاد می‌کند. حمد و سوره را دُرُست می‌خواند. رکوع و سجده را کامل انجام می‌دهد. همهٔ اعمال نماز را باآرامش به جا می‌آورد و برای تمام کردنِ نماز عجله نمی‌کند.

روزی، پیامبر گرامی ما، حضرت محمّدبن عَبدِالله صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِه، وارد مسجد شد. مردی را دید که با عجله نماز می‌خواند. رکوع و سجده‌اش را کامل انجام نمی‌دهد و در اعمال نماز آرامش ندارد.

تعجّب کرد و فرمود: این مرد نماز نمی‌خواند بلکه مانند کلاغی که نوک به زمین می‌زند، خم و راست می‌شود. به خدا سوگند، اگر با چنین نمازی از دنیا برود مسلمان از دنیا نرفته است و در جهان آخرت در عذاب خواهد بود.

امام خمینی سفارش فرموده است:

«نماز بالاترین ذکر خداست، نماز را به جماعت بخوانید، مساجد را پر کنید [زیرا] مساجد سنگر است. نمازهای جمعه را [نیز] باشکوه به جا بیاورید.»



چند مسئله از وضو و نماز

۱ ــ کسی که نمی‌داند وضو گرفته یا نگرفته، باید وضو بگیرد.

۲ ــ اگر چیزی به یکی از اعضای وضو چسبیده و مانع رسیدن آب باشد باید برای وضو آن را برطرف کرد.

۳ ــ لباس و بدن نمازگزار باید پاک باشد. اگر عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخوانیم نمازمان باطل است.

۴ ــ اگر فراموش کنیم که بدن یا لباسمان نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادمان بیاید، باید نماز را دوباره بخوانیم.

۵ ــ اگر ندانیم که بدن یا لباسمان نجس است و بعد از نماز متوجّه

نجس بودن آن بشویم نمازمان صحیح است.

۶ ــ نماز خواندن در جایی که صاحبش راضی نیست یا با لباسی که صاحبش راضی نیست، حرام و باطل است.

۷ ــ مستحب است نمازهای واجب مخصوصاً نمازهای روزانه (یومیّه) را به جماعت بخوانیم.

۸ ــ بر مردها واجب است در نمازهای مغرب و عشا و صبح، حمد و سوره را بلند بخوانند.

۹ ــ در مسافرت باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخوانیم (یعنی مانند نماز صبح بخوانیم) در چه مسافرتهایی؟ سفر چند فرسخ باشد؟ چند روز طول بکشد؟

پاسخ این پرسشها را در کتاب «توضیح‌المسائل» بخوانید.





پرسش

۱ ــ قبل از نماز چگونه وضو می‌گیریم؟

۲ ــ یک کودک مسلمان چگونه نماز می‌خواند؟

۳ ــ مردها حمد و سورهٔ چه نمازهایی را باید بلند بخوانند؟

۴ ــ در مسافرت چگونه نماز می‌خوانیم؟

۵ ــ امام خمینی دربارهٔ نماز چه فرموده است؟



نماز

پیش از طلوع خورشید
وقتی سپیده سر زد
وقتی پرندهٔ شب
از بام خانه پر زد

بر پشتِ بام مسجد
آمد ندای توحید
با دگر به دلها
نور نشاط بخشید

من از خواب
رفتم وضو گرفتم
دستِ دعا گشودم
یاری از او گرفتم

نماز خود را
آهسته باز کردم
آگاه با خدایم
راز و نیاز کردم

بابک نیک‌طلب

آنچه در این کتاب می‌خوانید

عنوان	صفحه
ای جهان آفرین بی‌همتا	
۱ ــ آب نعمت زندگی ساز خدا	۶
۲ ــ آفریدگار جهان	۱۰
جهان آخرت هنگام جایزه و پاداش	
۳ ــ مربی درس معاد می‌دهد عمر جاوید	۱۴ ۱۸
پیامبران رهبران و راهنمایان آگاه و معصوم انسانها	
۴ ــ حضرت موسی، پیامبر خدا	۱۹
۵ ــ عصای موسی، معجزهٔ پیامبری	۲۲
۶ ــ مژدهٔ پیامبری حضرت محمّد	۲۵
۷ ــ بعثت پیامبر گرامی اسلام	۳۰
۸ ــ دعوت به اسلام	۳۳
۹ ــ حضرت فاطمه بانوی نمونهٔ اسلام گردنبند با برکت	۳۸ ۳۹
آشنایی با رفتار و اخلاق اسلامی	
۱۰ ــ آیا شما هم او را دوست دارید؟	۴۲
۱۱ ــ احسان به مادر	۴۴

عنوان	صفحه
امامت و رهبری، امام جانشین آگاه و امین پیامبر	
۱۲ ــ امام معصوم، جانشین پیامبر	۴۷
۱۳ ــ عید بزرگ غدیر	۴۹
روز غدیر	۵۴
۱۴ ــ امام پنجم حضرت امام محمّد باقر، علیه‌السلام	۵۵
۱۵ ــ امام باقر در برابر ستمگر	۵۶
۱۶ ــ امام ششم حضرت امام جعفر صادق، علیه‌السلام	۵۹
۱۷ ــ انفاق در تاریکی شب	۶۱
۱۸ ــ امام هفتم حضرت امام موسی کاظم، علیه‌السلام	۶۴
۱۹ ــ چگونه امام آن مرد را تربیت کرد؟	۶۶
۲۰ ــ امام هشتم حضرت امام رضا، علیه‌السلام	۶۹
۲۱ ــ از رفتار امام بیاموزیم	۷۱
گنبد امام رضا	۷۳
آشنایی با احکام اسلامی	
۲۲ ــ چیزهای نجس	۷۴
۲۳ ــ نماز را گرامی بدارید	۷۶
نماز	۷۹